

«...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد
... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما برای
خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا می‌کنیم...
دعوی من و شما و همه کسانی که دعا می‌کنند همه
برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



بیانیه حضرت آیت
الله مکارم شیرازی
در حمایت از
صدور حکم ضد
تکفیر شیخ الازهر

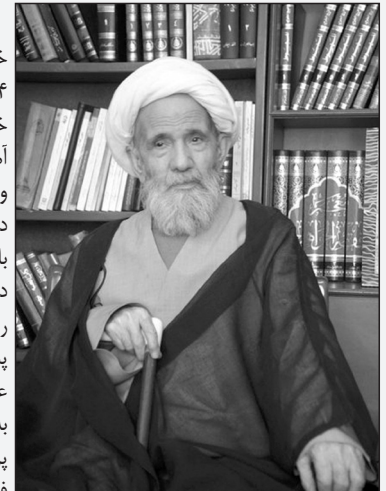


صفحه ۷

سال سی و هفتم ♦ شماره ۹ ♦ شماره مسلسل ۱۵۲۷ ♦ نیمه اول مرداد ماه ۱۳۹۵ ♦ قیمت: ۵۰۰ تومان

به مناسبت درگذشت آیت الله حاج میرزا خلیل قبله‌ای خویی؛ اخلاق و اجتهاد پویا

حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد احمدی



اشاره: عالم ربانی، مرحوم آیت‌الله
خلیل قبله‌ای خویی در مرداد سال
۱۳۰۴ در دارالمؤمنین خوی در
خانواده‌ای متدین و زحمتکش به دنیا
آمد. پدر بزرگوارش که مردی متخلق
و متدین بود، به کشاورزی اشتغال
داشت، هرچند اجدادش روحانی بودند.
با آنکه پیشترها سه حوزه علمیه مهم
در خوی بود، اما با روی کار آمدن
رضاخان، همه این مدارس بسته شد.
پس از سقوط او و بازگشایی مدرسه
علمیه نمازی، استاد قبله‌ای در آنجا
به تحصیل مقدمات علوم حوزوی
پرداخت؛ ولی دیری نگذشت که با
فتنه پیشه‌وری، آذربایجان دستخوش

آشوب شد و استاد سال ۱۳۲۵ راهی قم شد و به محضر بزرگانی چون آیات عظام: سلطانی
طباطبایی، مجاهدی، مرعشی نجفی، حجت، داماد، بروجرودی و امام خمینی (ره) راه یافت
و پس از نه سال، رهسپار نجف شد و از محضر آیت‌الله خویی بهره‌مند گردید و بعد به قم
بازگشت و نهایتاً در تهران مستقر شد؛ اما تنها بعد از انقلاب بود که قدرش شناخته شد و
ضمن تدریس در دانشگاه، به تألیف کتابهای متعددی عمدتاً در باب قضا توفیق یافت. این
عالم بزرگوار پس از عمری تلاش و مجاهدت علمی، ۳۱ تیرماه ۱۳۹۵ به دیدار معبود
شتافت.

خوشبختانه مدتها پیش مجلس بزرگداشتی برای ایشان برگزار شد که تنی چند از استادان و
عالمان سخنرانی کردند؛ از جمله حجت‌الاسلام والمسلمین رئیسی که در بخشی از سخنانشان
گفتند: ما یک فقه اکبر داریم، یک فقه اوسط و یک فقه اصغر. «فقه اکبر» اصول عقائد است؛
«فقه اوسط» عبارت از اخلاق فاضله، و «فقه اصغر» هم احکام بایدها و نبایدهای دینی است.
نظام اسلامی ما مبتنی بر فقه است: فقه اکبر، فقه اوسط و فقه اصغر؛ یعنی جای جای نظام
اسلامی مبتنی بر مبانی و بایدها و نبایدهای الهی است؛ نظامی است که همه اجزایش رابطه
ارگانیک دارد. دانشگاه، حوزه، قضا و قانون‌گذاری یک آهنگ دارد، آن هم آهنگ توحیدی.
آقای قبله‌ای هم در مباحث احکام قلم زده‌اند، هم در اخلاق، درباره چهره‌های ارزشمندی مثل
اویس قرنی و دیگر بزرگان و به حق اخلاق فاضله را به ما نشان داده‌اند. از آن زمان که من
به دانشکده علوم قضایی رفتم و آمد داشتم، آقای قبله‌ای را انصافاً چهره‌ای دیدم که اخلاق
فاضله و کریمه را در خود پیاده کرده‌اند، یعنی اسوه اخلاق است هم برای معلمان، هم برای
دانشجویان. امیدوارم بتوانیم از این فقه پویا، که امروز پاسخگوی همه نیازها و سؤالات انسان
است، بهره ببریم. فقه اسلامی برای زندگی انسان معاصر همه چیز دارد. فقط لازم است کوشش
بشود، اجتهاد بشود. چون افتتاح باب اجتهاد را داریم، می‌توان بسیاری از سؤالات و مباحث مطرح
شده در محافل علمی و دانشگاهی را پاسخ گفت...

در این مجلس استاد محترم، آقای دکتر احمدی سخنران پرباری کردند که بخشهایی
از آن در زیر می‌آید:

استاد اخلاق

حضرت آیت‌الله حاج آقا خلیل قبله‌ای را استاد اخلاق خود می‌دانم. سال ۶۲ یا ۶۳ بود
که احساس کردیم برای تدریس معارف در دانشگاه‌ها به استاد نیاز داریم. از آنجا که حضور
روحانیون در دانشگاه‌ها موضوعیت داشت و دارد، لازم بود از اساتید حوزه، افرادی که با
نان خود و نان طلبگی درس خوانده بودند، امتحان بگیریم و آنان را به دانشگاه بفرستیم.
اعلامیه‌ای دادیم و حدود ۱۲۰ یا ۱۳۰ نفر شرکت کردند. جمعی آمدند؛ از جمله بعضی
دوستان ما از آذربایجان تشریف آوردند و گفتند: فلانی شما که ما را می‌شناسی، این برای
ما سبک است که بشنیم و امتحان بدهیم. شما همین‌طور یک مدرکی به ما بدهید! گفتیم:
«من شما را می‌شناسم، ولی این یک قالب است. نمی‌شود چهارچوب را به هم زد.» ایشان
رفتند و هنوز که هنوز است، وارد دانشگاه هم نشده‌اند.

ظاهراً یک یا دو نفر بودند؛ ولی از میان جمع دیدم یک پیرمرد لاغراندام تکیه‌ای، خیلی
باوقار و بالاد آمد برگه را گرفت و رفت نشست سر جلسه امتحان. امتحان کتبی و شفاهی را
که داد، آقایان دریافتند که ایشان جایگاه بسیار بالایی دارد. حالا کتبی خیلی نشان نمی‌دهد،
اما شفاهی فرق می‌کند.

ادامه در صفحه ۲

توطئه حساب شده علیه اخوان

سیر تحول اخوان المسلمین مصر
در گفت و گو با استاد خسرو شاهی

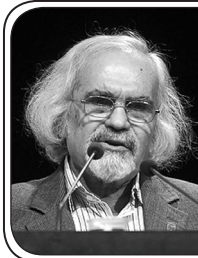
صفحه ۴



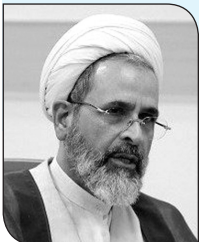
استاد مجاهدی:

برخی از اشعار آیینی
جامعه را به بی‌اخلاقی
و پوچ‌گرایی سوق
می‌دهند

صفحه ۸



هشدار مدیر حوزه های علمیه به فعالیت کلیساهای خانگی در کشور



عرضه کرده و صدها شبکه رادیویی
و ماهواره ای دارند، متأسفانه امروز
کلیساهای خانگی در تهران و کرج کم
نیست و در کشورهای گوناگون از جمله
اندونزی، افغانستان و ... نیز فعالیت دارند.

وی خاطرنشان ساخت: منطق اهل بیت (ع) و انقلاب اسلامی،
دوستی و برادری با اهل سنت است؛ اما باید مواظب جریان وهابیت و
تکفیری باشیم. مدیر حوزه های علمیه تصریح کرد: رشته ها، مهارت
ها و توانمندی های حوزه باید به نحوی باشد که دشمنان درون که
به صورت زیرپوستی حوزه را تهی می کنند، معالجه کرده و این مهم
باید در متن نظام تربیتی و آموزشی شما باشد.

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی به موضوع حوزه و آسیب های
اجتماعی اشاره و بیان داشت: حوزه نهاد برآمده از ایمان مردم بوده و
افتخار او آن است که از مردم است و به مردم بر می گردد؛ پس باید
خود را آماده معالجه دردهای جامعه کند.

امام جمعه قم اظهار داشت: رهبر معظم انقلاب در چند ماه اخیر
چندین جلسه درباره آسیب های اجتماعی برگزار کرده که نشان از
اهمیت این موضوع و نقش پررنگ حوزه است، امروز بیش از ۱۰ میلیون
حاشیه نشین در شهرهای ایران وجود دارد و جوانان حاشیه نشین در
تیررس دشمن هستند و حوزه باید برای آن برنامه داشته باشد.

وی خاطرنشان ساخت: تربیت طلبه و عالم از جمله وظایفی است
که بر دوش ماست تا بتوانیم از معضلات موجود بکاهیم.

عضو شورای عالی حوزه با اشاره به نکات کلیدی مدیریتی، تصریح
کرد: تربیت جامع و متوازن برای طلاب از مباحث ضروری است که
مدیران محترم باید به آن توجه داشته باشند؛ چراکه طلبه بدون تربیت
متوازن مشکل ساز خواهد شد و در این زمینه برنامه ریزی و بهره مندی
از نظام تربیتی برای طلاب ضروری است تدوین نقشه راه برای برنامه
ریزی تربیتی از موضوعات مهم برای مدیران عزیز می باشد.

وی گفت: ابقاء سنت های اصیل همراه با بازسازی و نوسازی
حوزه از نکات قابل توجه دیگر است که البته سخت می باشد؛ اما
شدنی است، زیرا جمع میان تحول و پیشرفت و ابقاء سرمایه های
تاریخی و کهن حوزه بسیار حساس است و باید مراقب بود.

وی توجه به نخبگان را مهم دانست و ابراز داشت: اما توجه محض
به نخبگان، مشکلاتی پیش رو خواهد داشت؛ پس باید نگاه درست به
همه طلاب داشت؛ چراکه باید همه رشد کرده و کرامت داشته باشند؛
البته در عین حال باید با ظرافت نخبگان را پروراند.

مدیر حوزه های علمیه خاطرنشان ساخت: تربیت نخبه بسیار ویژه
و مهم؛ البته خطرآمیز است و رهاسازی آن بسیار خطرناک می باشد؛
پس باید با همراهی، حمایت و ظرافت، آنان را زیر بال و پر داشت.

کلیساهای خانگی در تهران و کرج کم نیست و در کشورهای
گوناگون از جمله اندونزی، افغانستان و ... فعالیت دارند.

آیت الله اعرافی در نشست با مدیران مدارس علمیه استان های
قم و اصفهان اظهار داشت: از مباحث مهم در هر نوع برنامه ریزی
و اقدام موفق این است موانع حرکت و سدهای مقابل راه را شناخته
و یکی از شرائط توفیق در یک کارزار جنگی یا هر عمل تجاری،
تحصیلی و ... شناخت دشمن و موانع پیش روست.

مدیر حوزه های علمیه یاد آور شد: صرف دانستن قله های بلند
و علاقمندی به تهذیب و اخلاق کافی نیست؛ بلکه باید موانع را نیز
شناخت و یکی از موانع، شیطان و اعوان و انصار اوست که باید به
درستی او را شناخت و برای مقابله او برنامه ریزی داشت.

عضو شورای عالی حوزه با بیان این مطلب که تصور گناه، یکی از
فعالیت های شیطان است، تصریح کرد: برجسته سازی تصورات در
ذهن از جمله ضربه هایی است که شیطان بر انسان وارد می کند و از
طرفی تصرف شیطان در تصدیقات نیز یکی دیگر از کارهای ابلیس
است، بعد از تصورات و تصدیقات، تصرف در انگیزه و شوق انسان
هاست که غوغایی به پا خواهد کرد.

آقای اعرافی با بیان این که؛ نهایت تصرفات شیطان به اراده و
قوای تحریکی انسان خواهد رسید گفت: طلبه بیش از هر چیز نیازمند
تجهیز و اطلاع کافی از این مشکلات است که مدیر باید این نیازها
را تأمین نماید، اگر مدیری این کارها را به استاد و مشاور بسپرد،
مدیریتی ناقص و ناموفق داشته است؛ البته استاد و مشاور باید در این
امور ورود پیدا کنند؛ اما مدیر در درجه اول قرار دارد.

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی بیان داشت: ما به عنوان
مسئولان حوزه، اولین مانع مشکلات روحی و اخلاقی می دانیم، باید
با اصلاح نفس و تهذیب، فعالیت های دیگر را قوت ببخشیم، زیرا اگر
دشمن شناسی درونی در جان طلبه نباشد، او راه به جایی نخواهد برد.
وی مسئله دوم را دشمن شناسی بیرونی عنوان و ابراز داشت:
حوزه منشأ انقلاب عظیمی است که دشمنان بسیاری داشته و دارد و

سپاهی از رقیبان و معاندان روبروی او ایستاده اند.

مدیر حوزه های علمیه خاطرنشان ساخت: امروز حرکت بی خدایی
قریب به ۵۰۰ میلیون طرفدار در دنیا دارد که تولیدات بسیاری داشته
و دانشمندان و فیلسوفان زیادی برای آن کار می کنند، بت پرستی در
دنای جدید از دیگر رقیبانی است که در دنیا در حال فعالیت است و
بیش از سی درصد دنیا چنین مسلکی دارند و قم در برابر همه این
رقیبان مسئول است؛ چراکه امواج آن در ایران نیز نفوذ کرده و از طرفی
ما فقط مسئول ایرانیان نیستیم؛ بلکه باید برای تمام جهان کار کنیم.

امام جمعه قم اظهار داشت: مسیحیت رقیب بعدی ماست بیش از
یک هزار مرکز دانشگاهی در دنیا دارد و روزانه هزاران مقاله و نشریه

ادامه از صفحه اول

وقتی طرف متن را می‌خواند و تحلیل می‌کند، علمش مشخص می‌شود. استادان بسیار بزرگوارى آنجا بودند. خیلی تکریم کردند و بنده از این مردی که سن و سالش چند سال از بنده بیشتر بود، آمد آنجا نشست و امتحان داد و بعد هم یک استاد برجسته در علم و اخلاق شد، از تواضع و صفا و صمیمیت و خلق روحانی این مرد بزرگوار درسها آموختم. پس از آن هم ارتباطاتی با ایشان داشتیم که همواره از ایشان سپاسگزاری کرده‌ام. البته آذربایجانی‌ها تا آنجا که من مطلعم، مردم حق‌شناسی هستند. بنده با افراد فراوانی روبرو بوده‌ام و همواره از این خطه شریف حق‌شناسی و حق‌گزاری دیده‌ام. خداوند به آقای قیله‌ای طول عمر و سلامت عنایت فرماید که جامعه از اجتهاد پویای ایشان بهره‌مند شود.

کانست در کتاب «نقد عقل محض» می‌گوید حقوق‌دانها نتوانستند برای حق تعریف بیاورند. خودش هم با اینکه فیلسوف بزرگی است، متأسفانه در بسیاری از جاها صریحا می‌گوید: من تعریف نمی‌کنم.

برو در این بیابان جستجو کن

ز هر خاکی کفی بردار و یو کن
خودت برو پیدا کن. خوب این کلی مشکل می‌آفریند. بنده معتقدم که تا چیزی تعریف نشود مایه گمراهی است. پس از آن به کتابهای مختلف، از جمله کتاب جناب آقای دکتر کانونیان فلسفه حقوق و به کتاب سنه‌وری مراجعه کردم و تعریفی از حقوق نیافتم. روزی مشنوی را می‌خواندم، دیدم مولوی این دو بیت را دارد که مرا به مطلبی هدایت کرد:

ای خورنده خون خلق از راه بُرد

تا نیارد خون ایشان نبرد
بُرد اسم فعل است یعنی دور باش، بروای کسی که به مردم زور می‌گویی و خونشان را می‌خوری، برو. خونش را نخور که با تو درگیر نشود.

مال ایشان خون ایشان دان یقین

چون که مال از زور خیزد در زمین
مال از این زوری که در دست راست آدم است، سرچشمه می‌گیرد. یعنی ملک و مال تراویده وجود آدمی است؛ یعنی آدم زور دارد (حالا یا زور فکری یا زور بازو) و این زور اگر روی یک ماده یا مایه‌ای به کار افتاد، تحولی در آن ماده و مایه پدید می‌آید؛ مثل هیزمی که از جنگل گردآوری شود یا تفکری که به ابداع یا اختراعی منجر شود. این زور فکری یا زور بدنی مولود یک کالا می‌شود، یعنی یک امر ارزشمندی پدید می‌آورد و هدایت می‌کند ما را به اینکه اولاً مال را تعریف کنیم و بگوئیم مال عبارت است از: شیء ارزشمندی که مولود فعل اختیاری آدم است.

فعل اختیاری یعنی با اختیار خودم، و اگر بدون اختیار باشد که مال من نیست، و اگر من کاری نکرده باشم، این هم باز ملک من نیست، یعنی من باید زوری به کار برده باشم تا این کالا جمع شده یا تغییر در آن حاصل شده باشد. اگر این طور باشد و زور را هم اعم بگیریم از زور فکری یا زور بدنی، بنابراین می‌شود ملک را از آن حالت اعتباری که فقها معمولاً می‌گویند، بیرون بیاوریم. برای اینکه همه جا نمی‌شود همه چیز را اعتبار کرد. اگر زحمت بیشتر بکشیم، اگر زور بیشتر به کار ببرم، معلوم است که ملک بیشتری دارم. نمی‌شود برای کار بیشتر اعتبار ملک کمتر کرد یا برای کار کمتر همین‌طور. اعتبار منشأ اعتبار می‌خواهد و منشأ اعتبار، تلاش و زوری است که شخص به کار برده است، برای اینکه چیزی تولید کند.

این یک توجیهی می‌دهد به ما که آن اعتباریاتی را که مرحوم علامه طباطبایی با فقهای ما در باب ملک اعتبار کرده‌اند، منشأش را زور بازو یا فکر بدانیم. در این صورت حق به کجا تعلق می‌گیرد؟ آیا همین‌طوری می‌شود چیزی را حق حساب کرد؟ بنده بر همین اساس حق را این‌گونه تعریف کردم: «حق رابطه‌ای است میان ملک

و پدیدآورنده آن. یا پدیده‌ای است میان شیء ارزشمندی که مولود فعل اختیاری است با پدیدآورنده آن.» در حقیقت حق از ملک برمی‌خیزد؛ اگر کاری کردی، ملکی به دست آوردی، حقی پیدا شد که بین من پدید آورنده و آن شیء پدیدآورده شده رابطه برقرار می‌شود. بر این اساس، حق عبارت است از رابطه مالک و ملک و شیء ارزشمندی که مولود تلاش بدنی یا

ذهنی کسی است. اگر بر این اساس پیش برویم، بحث حقوق بشر و اعلامیه حقوق بشر باید دو قسم شود: سه یا چهار ماده فقط مربوط به حق است: «افراد می‌توانند مالک زحماتشان باشند»، «آزادند که سرمایه‌گذاری کنند» بقیه‌اش تمام تکلیف است، حق نیست. یعنی چه؟

تکلیف یعنی چه؟

می‌خواستم از جناب قیله‌ای سؤال کنم. ظاهراً آقای خوئی همه اینها را تکلیف می‌داند. تکلیف یعنی چه؟ به من می‌گویند: شما حق همسایه‌ات را مراعات کن. همسایه چه حقی گردن من دارد؟ چه کاری کرده برای من؟ پدر باید حق فرزند را مراعات کند. این بچه تازه به دنیا آمده چه حقی دارد؟ چه کاری برای من کرده؟ افراد آزاد به دنیا می‌آیند، همه حق آزادی دارند یعنی چه؟ همه اینها تکلیف است. حتی در رساله حقوق حضرت سجاد علیه‌السلام بیشتر پنجاه حقی که در آن آمده، تکلیف است. تعبیر ممکن است متفاوت باشد، ولی وقتی تحلیلش می‌کنیم، می‌بینیم که تکلیف است؛ می‌فرماید: حواست باشد که وظیفه داری با خویشاوندانت صله رحم کنی. اصلاً اصطلاح «تکلیف» بهتر است؛ برای اینکه در تکلیف عبودیت است. می‌فرماید که حرمت خویشان را داشته باش. تا ۴۰ خانه همسایه است، باید مراعات کنی. حق نماز، حق روزه، حق حج. اینها همه به گردن تو حق دارند. واقعاً نماز گردن تو حق دارد یعنی چه؟ یعنی اینکه من تکلیف دارم نماز را خوب انجام دهم.

در اعلامیه حقوق بشر نیز همین‌طور است. جمعی نشستند بعد از جنگ جهانی دوم، البته از سال ۱۸۷۲، که انقلاب کبیر فرانسه رخ داد، بنیان‌گذاری شد. اگر می‌گفتند تکلیف دارد، طرف می‌گفت من که موظف نیستم؛ اما عنوان حق به آن داده‌اند، شاید به خاطر اینکه طرف را طلبکار کنند. اما برخلاف آنچه عموماً مطرح می‌کنند، باید بگوئیم، آنان دیدند دهها میلیون نفر کشته شده‌اند، این همه ویرانی به بار آمده، یک هیتلری آن‌طور دنیا را به خاک و خون کشیده و تمام کشورها در آن درگیر شده‌اند، آمدند همان اعلامیه حقوق بشر فرانسه را به نام حقوق بشر اعلام کردند؛ ولی حق همین است که عرض کردم. حق رابطه است و بقیه تکلیف. به من می‌گویند: افراد آزاد به دنیا می‌آیند، به آزادی آنها تعرض مکن. مکلفی که به آزادی دیگران تعرض نکنی، تا کی؟ تا وقتی که حد و حدود آن مراعات شود. این نکته اصلی بحث است.

یک نکته دیگر هم دارم و آن اینکه اصولاً این تکلیف برای چه وضع می‌شود؟ چرا به من می‌گویند متعرض آزادی دیگران مشو؟ آرامش افراد را به هم مزین؟ برای این است که آسایش برای افراد ارزش دارد. چرا می‌گویند متعرض مال و عرض مردم نشو؟ برای اینکه اینها همه ارزش دارد.

سؤال دیگر ما این است که اگر ارزش داشتن، ملاک وضع تکلیف است، که حالا شما اسمش را حق گذاشتید، برای افراد دیندار که مسائل اعتقادی از همه چیز ارزشمندتر است، واقعاً پیامبر اکرم(ص) و همچنین ائمه معصومین و اولیای خدا و قرآن کریم و دین و این قبیل حقایق برای ما ارزشمندترین است و برای مسیحیت حضرت عیسی. آن فیلم «آخرین وسوسه مسیح» که صهیونیست‌ها عرضه کردند، شنیدم کارتر گفته بود: «ما این فیلم را دیدیم و خون خوریم. من مسلمانها را درک می‌کنم که چرا به حرفهای سلمان



رشدی واکنش نشان می‌دهند. کشور ما جایی شده که هر کس هر چه می‌خواهد، بگوید! مضمون حرف او این بود که ما نمی‌توانیم اعتراض کنیم. این آزادی باید قطعاً محدود شود و همان‌طور که افراد برای حیثیت شخصی‌شان می‌توانند شکایت کنند و حقوق یا تکالیف براساس ارزش‌های افراد وضع می‌شود، همان‌طور هم برای مسائل اعتقادی، که برای مردم

بسیار عزیز است، باید بتوانند اعتراض کنند. باید اینها هم توی این تکالیف گنجانیده شود، و هیچ فرقی نیست بین حق خصوصی و حق عمومی؛ یعنی اگر کسی که به حیثیتش توهین شد، می‌تواند به دادگاه برود، در صورتی که به دینش توهین شود، که بسیار ارزشمندتر از حیثیت شخصی‌اش است، نیز بتواند به دادگاه مراجعه کند. پس دین و مقدسات دینی هم که ارزشمندترین چیز است برای دینداران، باید جزء حقوق و مبنای وضع حق (به اصطلاح اینها) و تکلیف (به اعتبار بنده) قرار بگیرد و اینکه هر کس هر چه می‌خواهد، بگوید و این حرفهایی که امروز در مغرب‌زمین مطرح می‌کنند که اینها مربوط به عموم است و مدعی خصوصی ندارد، هیچ مبنای درستی ندارد.

شرح حال علمی و زندگینامه خودنوشت آیت‌الله خلیل قیله‌ای خوئی

در تاریخ ۱۳۲۵ش برای تحصیلات تکمیلی به حوزه علمیه قم منتقل شدم و در محضر اساتید بزرگوار و آیات عظام حوزه علمیه قم، حضرات سیدمحمد حجت کوه‌کمری و حاج‌آقا حسین بروجردی و آقای محقق داماد و حضرت امام (قدس‌الله انفسهم الزکیه) استفاده کردم و بیشتر مباحث آنها مخصوصاً اصول حضرت امام (قده) و آقای محقق داماد و بیع آقای سیدمحمد حجت و خمس آقای بروجردی را به رشته تحریر در آوردم. در مدتی که در قم بودم، قبل از آنکه به نجف‌الاشرف مسافرت کنم از کتاب روضه (شرح لمعه) تدریس می‌کردم. اواخر یک کلاس مکاسب نیز شروع کردم، ولی آن را ناقص گذاشته، در سال ۱۳۳۳ به نجف‌الاشرف مسافرت کردم و از محضر مراجع نجف حضرات آیات عظام آقای سیدمحسن حکیم و آقای حاج سیدابوالقاسم خوئی و آقای سیدعبدالهادی شیرازی بهره‌مند شدم و در آنجا نیز مباحث آقای خوئی را که قسمتی از منبع و مدارک عروه‌الوثقی بود، به عنوان تعزیرات ایشان به رشته تحریر در آمد. مدت سه سال و اندی بعد به قم مراجعت کردم و به خاطر کودتای عراق به وسیله حزب بعث، مراجعت ممکن نشد. تا سال ۱۳۴۶ در قم مشغول تعلیم و تربیت شده، در این مدت از محضر حضرت امام(ره) و آقای گلپایگانی نیز استفاده‌ها کردیم و ضمناً از رسائل و مکاسب، مباحثاتی با بعضی از طلاب آذربایجان غربی داشتیم. بالاخره در بهار سال ۱۳۴۶ به تهران عزیمت کردم.

فعالیت‌هایی که در تهران انجام داشتیم: بحث و تدریس در حوزه‌های علمیه مروی و مدرسه شیخ عبدالحسین و در این حوزه‌ها، رسائل و مکاسب را سالیان سال تدریس نموده‌ام. سرانجام از سال ۱۳۶۴ وارد وزارت علوم شدم و به عنوان هیأت علمی در دانشکده علوم قضائی و خدمات اداری مشغول شدم. در این مدت در دانشکده‌های تهران از جمله دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه امام صادق(ع)، دانشکده الهیات دانشگاه تهران، دانشکده علامه طباطبایی تدریس کرده‌ام و هم اکنون در دانشکده علوم قضائی - که عضو هیأت علمی این دانشکده نیز هستم - و دانشکده حقوق علامه طباطبایی انجام وظیفه می‌کنم.

تألیفات

کتاب‌ها:

۱- قواعد فقه بخش جزا؛ سازمان «سمت»، چاپ

به مناسبت درگذشت آیت الله حاج میرزا خلیل قیله‌ای خوئی؛

اخلاق و اجتهاد پویا

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر احمد احمدی

هشتم: ۱۳۹۳

۲- ارث؛ تهران؛ ۱۳۸۱، سازمان «سمت» چاپ

سوم: ۱۳۹۱

۳- آیات‌الاحکام (حقوق مدنی و کیفری)؛ ۱۳۸۴؛

سازمان «سمت»، چاپ نهم: ۱۳۹۱

۴- اصول فقه (۲و۱)؛ سازمان «سمت»، چاپ

ششم: ۱۳۸۷

۵- قواعد فقه (۲)؛ سازمان «سمت»، چاپ سوم، بهار

۱۳۹۳

۶- مسائل مستحدثه(مجموعه مقالات)؛ سازمان

«سمت»، چاپ سوم: ۱۳۹۳

۷- فقه و حقوق تطبیقی(به مناسبت نکوداشت آیت‌الله

خلیل قیله‌ای خوئی)، سازمان «سمت»، چاپ دوم: ۱۳۸۸

۸- ترجمه و تعلیق بر مبانی تکملة المنهاج (قصاص)؛

سازمان «سمت»، چاپ چهارم: ۱۳۹۲

۹- آیات‌الاحکام تطبیقی؛ سازمان «سمت»، چاپ

دوم: ۱۳۹۳

۱۰- ترجمه و تعلیق بر مبانی تکملة المنهاج(دیات)؛

سازمان «سمت»، چاپ اول: ۱۳۹۴

۱۱- حقوق جزای عمومی از دیدگاه فقه اسلامی (در

دست ویرایش).

مقاله‌ها:

۱- بررسی احکام فقهی و حقوقی حمل و جنین (در پنج شماره)

۲- بررسی احکام فقهی و حقوقی کودکان نامشروع.

۳- حجب و حجاب و محجوب.

۴- تعزیر یا تأدیب کودکان

(این هشت مقاله در فصلنامه دانشکده علوم قضائی

به چاپ رسیده است).

۵- مقاله «تشریح» (چاپ‌شده در دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر آقای دکتر حداد عادل).

۶- انتقال جنین (چاپ‌شده در مجموعه مقالات

پژوهشکده ابن‌سینا، سال ۱۳۸۰).

۷- اهدای گامت.

۸- بررسی مسئولیت مطلق در حقوق کیفری (مقاله مشترک)

۹- پیشگیری وضعی از جرایم تروریستی(مقاله مشترک)

۱۰- بایسته‌های فقه و حقوق (گفتگوی مفصل با کیهان فرهنگی)

پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و «سمت» تفاهم‌نامه همکاری امضا کردند

به گزارش روابط عمومی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، به منظور گسترش همکاری‌های فرهنگی، آموزشی و پژوهشی، تفاهم‌نامه‌ای میان این پژوهشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) منعقد شد.

در این تفاهم‌نامه محورهای همکاری به شرح زیر اعلام شده است:

- تحقیق، تألیف و ترجمه کتاب‌های مبنایی در حوزه فعالیت‌ها و اهداف مشترک
- تحقیق، تألیف و ترجمه کتاب‌های درسی مورد نیاز و مرتبط
- طراحی و اجرای طرح‌های تحقیقاتی در زمینه تولید کتب مبنایی در حوزه‌های علوم انسانی
- چاپ، نشر و توزیع آثار مشترک طرفین با در نظر گرفتن امکانات

- همکاری‌های مشترک در زمینه نشر الکترونیک تاکنون برخی آثار با همکاری پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و «سمت» منتشر شده و با امضای این تفاهم‌نامه زمینه همکاری‌های گسترده‌تری فراهم خواهد شد.

تعریف دولت و ملت در اسلام با تلقی کنونی متفاوت است

آیت‌الله علی اکبر رشاد، رئیس شورای حوزه‌های علمیه تهران، در سمینار حقوق بشر اسلامی در قم به تشریح حقوق اقلیت‌ها از دید اسلام پرداخت و با اشاره به نگاه طبیعی در حقوق گفت: هر نظام و مکتبی اگر نظام حقوقی خود را مبتنی بر سرشت آدمی قلمداد کند موارد نقض می‌تواند پیدا شود.

وی افزود: البته در هر نظام حقوقی پاره‌ای از قضایا و احکام حقوقی با طبیعت و فطرت آدمی ظاهرادر پیوند است که این نشان می‌دهد قوانین حقوقی یکسره وضعی نیستند. عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی بیان کرد: مشکل این دو نظریه در مطلق‌انگاری و مطلق‌گرایی آن‌هاست؛ زاویه‌ای از حقیقت را می‌بینیم و همه شئون و امور را بر همان زاویه و نگاه بار می‌کنیم و به محض اینکه مورد نقضی پیدا شد کل نظریه را زیر سؤال می‌بریم مثلاً اگر فروید انگیزه جنسی را زیرساخت همه انگیزه‌های بشر برشمرد در جای دیگری فرد دیگری بهره‌مندی از شهرت را ریشه همه انگیزه‌های بشر است.

وی اظهار کرد: داستان بشر معاصر داستان قیل و خانه تاریک است و بشر امروز نتوانسته همه حقیقت را ببیند و همان مقداری از حقیقت را هم که دیده همه حقیقت معرفی می‌کند و انگار نه جزیی از حقیقت دیده شده است و در بحث حقوق نیز این آفت وجود دارد.

وی افزود: احکام حکومتی قابل تقسیم به دو دسته حکم اولی و ثانوی است، مانند حکم میرزا در تحریم تنباکو که وی به لحاظ ثانوی فرمود مصرف تنباکو حرام است در حالی که در حکم اولی، مباح است.

دکتر رشاد بیان کرد: احکام می‌تواند در مناشی دوگانه مورد بحث قرار گیرد و البته در جایی شاید هر دو مبنا مورد استفاده باشد و در جایی فقط یکی از آن‌ها؛ از این ور طبقه بندی احکام می‌تواند در مواقعی گره گشا باشد. وی افزود: حقوق اقلیت‌ها از قسم حقوق اعتباری است و نمی‌توان گفت فطرت اقلیت‌ها با مسلمین متفاوت است البته موضوع اقلیت‌ها عیناً با امر تابعیت یکسان نیست ولی نظیر آن است.

آقای رشاد بیان کرد: ممکن است در صد سال دیگر تعریف دولت ملت نسبت به امروز عوض شود؛ در اسلام تعریف دولت ملت با تلقی کنونی از دولت ملت متفاوت است زیرا در این تعریف اصل، عناصر فیزیکی و سرزمینی و... است ولی در اسلام سرزمین به مفهوم امروزی مطرح نیست بلکه شاخص‌ترین عنصر حیث ایدئولوژیکی دارد و به تعبیر دیگر هویت دولت ملت چندمعادله‌ای است و عناصر خاصی در این ساخت دخیل هستند و اصل آن ایدئولوژی است.

رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی عنوان کرد: چرا باید غربی‌ها در این تعریف معیار بگذارند و آن را بر دنیا تحمیل کنند اما ما حق نداشته باشیم که براساس تعریف الهی این مقوله را مطرح کنیم. آقای رشاد بیان کرد: سر تفاوت مسلمین با اهل کتاب و غیر اهل کتاب می‌تواند در چارچوب احکام تدبیری و حکومتی بررسی شود و حتی در عهد معصومین(ع) و دوره پیامبر(ص) نیز موید این است که غیراهل کتاب و مومنین در جامعه اسلامی زندگی می‌کردند.

وی افزود: تفاوت برخورداری‌های افراد به حیث طبعی و سرشتی آحاد بازنمی‌گردد بلکه به جنبه‌های اعتباری باز می‌گردد و هر کسی به عناوین دولت ملت اسلامی نزدیکتر باشد از حق برخورداری بیشتری برخوردار است و اگر کسی نمی‌تواند خود را این عناوین و تعاریف منطبق کند می‌تواند به جای دیگری برود لذا نظام مسلط این احکام را جعل و اجرا می‌کند و افراد باید خود را با آن منطبق کنند.

دکتر رشاد تاکید کرد: مجموعه آیات و روایات و سیره معصومین(ع) ضمن تایید تفاوت میان کافر و مسلمان بسیاری از حقوق را در قبال این افراد اعتباری و در اختیار احکام حکومتی نظام اسلامی می‌داند.

آشنایی با کتابخانه، مرکز اسناد و اطلاع‌رسانی مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهش های ایرانی و اسلامی)

علمی خاصی شناسایی و معرفی می‌شود. (د دریافت گنجینه‌های شخصی افراد علاقه‌مند به فرهنگ، به‌صورت اهداء (ه) شرکت در نمایشگاه‌های بین‌المللی کتاب در داخل و خارج از کشور و خرید کتاب از آنها (و) بهره‌گیری از «مرکز اطلاع‌رسانی جهانی» (ر) جمع‌آوری مآخذ لازم به‌وسیله نماینده‌های کتابخانه در خارج از کشور (ز) استفاده از کتابخانه‌ها، مراکز فرهنگی و مجموعه‌های اختصاصی که کتاب‌های آنها براساس نیاز روزانه محققان مرکز، شناسایی و به امانت گرفته می‌شود، گسترده‌ترین فعالیت در جهت جمع مآخذ معتبر و درجه اول از راه‌هایی که برشمرده شد صورت می‌گیرد. ۳. بخش نشریات ادواری: در این بخش ۵۰۳۰ عنوان مجله عمده‌تا مجله‌های علمی ماهانه و آکادمیک و روزنامه و سالنامه به زبان‌های مختلف جهت استفاده محققان گرد آمده است که خود مجموعه ارزشمندی است. بخشی از این مجموعه در حقیقت مجله‌های قدیمی و کمیاب است که کتابخانه قادر به تهیه و یا خرید آنها نبوده و از طریق کپی‌برداری به تکمیل آن پرداخته است.

۴. بخش زیراکس: این بخش دو وظیفه عمده برعهده دارد: اول، تهیه کپی از مآخذی که پژوهشگران بخش پرورنده‌های علمی در اختیار آن قرار می‌دهند که حجم این کار به طور متوسط ماهانه بالغ بر ۸۰ هزار برگ می‌شود. دوم، تهیه کپی از کتاب‌ها و مجله‌های نایاب قدیمی در هر دو روی صفحه است. این صفحات به صورت کتاب تجلید می‌شود و مانند سایر کتب، در کتابخانه در ردیف خود قرار می‌گیرد.

۵. بخش صحافی: این بخش به منظور تجلید و مرمت کتاب‌های چاپی و خطی کتابخانه مرکز ایجاد شده و در همین مدت، به تجهیز بخش به وسایل مدرن مورد نیاز صحافی، جذب نیروی انسانی لازم، تجلید کتابهای چاپی با استفاده از بهترین مواد، صحافی کتابهای خطی و سنگی به صورت سنتی با ضرب نقوش اسلامی توفیق یافته است. در این بخش بطور متوسط ماهانه ۷۰۰ جلد کتاب تجلید و مرمت می‌شود.

۶ بخش عکاسی: وظیفه این بخش، عکاسی و فیلمبرداری از اسناد، نسخه‌های خطی، کتابهای قدیمی و کهن، عکسی و هنری مورد نیاز محققان و کتابخانه مرکز است. این بخش به دستگاه‌های عکاسی ـ از جمله دستگاه ظهور فیلم و عکس، دوربین‌های مخصوص فیلمبرداری مجهز است.

۷. بخش ثبت کتاب. ۸. بخش گردش کتاب، که امر رد و استرداد و نیز راهنمایی محققان را در سهولت مراجعه و دستیابی به کتابخانهٔ مرکز و مجموعه‌ها را هموار می‌سازد.

۹. بخش انتشارات کتابخانه: از جمله اقدامات این بخش آماده‌سازی و چاپ کتاب‌ها و اسنادی است که به نحوی با فعالیت‌ها و اهداف کتابخانه مرکز ارتباط پیدا می‌کند و عرضه آن در عهدهٔ این بخش نهاده شده است. برخی آثار که تاکنون در ردیف انتشارات کتابخانه منتشر شده اجمالاً در زیر اشاره می‌شود:

- فهرست نسخه‌های خطی مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی در ۳ مجلد
- فهرست نسخه های عکسی کتابخانهٔ مرکز دائرةٔ المعارف بزرگ اسلامی در ۳ مجلد
- شاهنامهٔ فردوسی همراه با خمسه نظامی (متعلق به نیمه دوم قرن هفتم و نیمه اول قرن ۸ق)
- بیست و هشت گفتار در باب فرهنگ و مردم ایران.
- شیخ الاسلامی بهبهانی
- جُنُگ مرتضی قلی شاملو
- نامنامهٔ ایلات و عشایر و طوایف (ایران تاریخی و فرهنگی). دکتر منوچهر ستوده

- شمس‌الحساب الفخری (نسخه فاکسیمیله)
- فهرست مقالات فارسی مجلد ۷ تا ۱۰. (۳ مجلد دیگر در دست صفحه آرایی است)
- فهرستوارهٔ کتاب های فارسی ۱۲ مجلد

موضوع های یاد شده در مجموعه کتابهای سرعنوانهای موضوعی، به فرهنگهای اختصاصی رجوع خواهد شد تا این موضوع‌ها ناشی از سلیقهٔ شخصی نباشد. لازم به یادآوری است که موضوع‌ها و اسامی اشهر بسیاری از کتابها از پایگاههای اطلاعاتی معتبر کتابداری اخذ و موضوع‌ها ترجمه و به‌همراه اسامی اشهر براساس ضوابط زبان فارسی نوشته خواهد شد. فعالیت دیگر بخش فهرستنویسی، کوشش در جهت یافتن اسامی اشهر و صحیح مؤلفان کتاب‌های شرقی است که اهل فن به اهمیت و ارزش این کار برای فهرستنویسی وقوف کامل دارند.

(ب) فهرستنویسی آثار به زبان‌های غربی: این بخش با بهره‌گیری از فهرست‌ها و دیگر ابزار لازم به فهرست‌کردن کتاب‌ها می‌پردازد. فهرست کردن آثار خارجی را رعایت استانداردهای جهانی انجام می‌گیرد. فهرست توصیفی و توضیحات برگه‌های لاتین به زبان اصلی و سایر قسمت‌ها به زبان انگلیسی است. در صورتیکه کتاب از زبان فارسی، عربی و سایر زبان‌های شرقی ترجمه شده باشد نام نویسنده به فارسی روبروی لاتینی شده آن نوشته می‌شود. عنوان کتاب نیز به زبان اصلی، فارسی، عربی و ... در قسمت توضیحات قید می‌گردد و در قسمت شناسه‌های افزوده نیز عنوان کتاب به زبان اصلی و به دنبال آن زبانی که بدان ترجمه شده آورده می‌شود. لازم به توضیح است برای کتاب‌هایی که از زبان‌های شرقی به زبان‌های خارجی ترجمه شده‌اند برگه‌های ارجاعی تهیه می‌گردد که در پایگاه کتاب‌های شرقی و برگه‌دان‌های فارسی قابل بازیابی است. زبان اصلی کتاب با علامت اختصاری در پایگاه کتاب‌های لاتین قابل بازیابی است.

(ج) بخش اسناد و نسخه‌های خطی: وظیفهٔ اصلی این بخش، گردآوری اسناد و کتاب‌های خطی مورد نیاز پژوهشگران از مراکز فرهنگی است. خرید مجموعه‌های خطی ارزشمند، دریافت گنجینه‌های اختصاصی به‌صورت اهدا و تهیه فهرست برای آثار خطی، عکسی و میکروفیلم ازجمله فعالیت‌های این بخش است. گنجینه کتاب‌های خطی مرکز از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و در میان آن اسناد، فرامین و نسخه‌هایی یافت می‌شود که بسیار با ارزش و برخی از آنها منحصر به فرد است. بخش اسناد خطی دو امر مهم دیگر را نیز برعهده دارد:

(الف) فهرستنویسی نسخه‌های خطی، عکسی و چاپ سنگ که تاکنون امر فهرست‌کردن حدود ۱۹۶۲ مجموعهٔ خطی (در ۳۲۱۵ عنوان) کتاب و رسالهٔ کوچک و بزرگ و ۱۸۲۱ مجموعه عکسی (در ۳۱۶۲ عنوان) کتاب و رسالهٔ کوچک و بزرگ و ۷۰۳۱ مجموعه چاپ سنگ کتابخانه را به پایان رسانیده است.

(ب) فهرستوارهٔ کتابهای فارسی (از آغاز تا پایان چاپ سنگ) برای نشان دادن سهم ایرانیان در فرهنگ بشری در دست تهیه است. این طرح به سرپرستی استاد احمد منزوی و هزینه و کمک‌های فنی مرکز و دستیاری چندتن از پژوهشگران این مؤسسه، در آمد و هم‌اکنون برای تألیف فهرستوارهٔ کتابهای فارسی بیش از ۹۰۰ هزار برگه از دل فهارس نسخه‌های خطی و چاپی بیرون کشیده شده است. فهرستواره برحسب موضوع کتابها و هر موضوع به ترتیب الفبایی تألیف می‌شود. از فهرستواره کتابهای فارسی که پیش‌بینی می‌شود ۲۵ مجلد خواهد بود و بر مبنای موضوعی تدوین شده است، تاکنون ۱۲ مجلد انتشار یافته است.

۲. بخش تهیه منابع و مآخذ: این بخش مسؤولیت گردآوری مآخذ و منابع مورد نیاز محققان مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی را در داخل و خارج از کشور برعهده دارد که از چند راه به شناسایی و جمع‌آوری مآخذ می‌پردازد:

(الف) تهیه کتاب‌ها و مجله‌های خارجی توسط بخش منابع خارجی

(ب) خرید کتاب‌های تازه انتشار یافته ناشران داخلی که توسط یکی از ناشران معتبر گردآوری و به کتابخانه عرضه می‌شود.

(ج) خرید مجموعه‌ها شخصی خاندان‌ها و شخصیت‌های فرهنگی داخلی و خارجی که توسط هیأت

دبـا: کتابخانهٔ مرکز در خرداد ماه ۱۳۶۳ با اهداء مقداری کتاب از جانب رئیس مرکز دائرةالمعارف بنیاد نهاده شد. هدف از تشکیل آن گردآوری اطلاعات مکتوب و غیرمکتوب مورد نیاز محققان و نویسندگان مرکز و ایجاد تسهیلات در امر پژوهش، از طریق گردآوری منابع و تجهیزات مورد نیاز و ارتباط با مؤسسات و مراکز علمی ـ فرهنگی داخلی و خارجی است. تلاشهای بی‌وقفه در طی سالیان که توأم با رنج و مشقت فراوان بوده و کوشش‌های پیگیر و بی‌دریغ گروهی از کارکنان و کارمندان کتابخانه و دانش‌پژوهان و محققان مرکز و دستداران فرهنگ اسلام و ایران، این کتابخانه هم اکنون به صورت یکی از معتبرترین کتابخانه‌های تخصصی کشور درآمده است. در حقیقت تلاش گسترده ای که پیش از تأسیس این کتابخانه در راه گردآوری کتابهای چاپی، خطی، عکسی، فیلم و میکروفیلم، اسناد و و نامه‌های تاریخی، عکس و اسلاید و نیز، تهیه مجله‌های معتبر علمی و نشریات ادواری، به زبانهای گوناگون و تهیه اطلس‌های جغرافیایی و سایر مواد کتابخانه‌ای مانند فیلم، نوار کاست، و سی دی رام آغاز شده بود، همچنان با شتاب ادامه دارد. حضور در نمایشگاههای کتاب، تهیه مستمر کتابها، مجله‌های تازه از یک سو و پرس و جو از سرنوشت مجموعه‌های نفیس خصوصی و کوشش برای خرید یا جذب آنها، از سویی دیگر و تصویربرداری از کتابها و مجله‌های قدیمی و کتابهای کمیاب موجود در کتابخانه‌های عمومی و خصوصی از دیگر سو، از فعالیت‌های پرثمر و پربار کارکنان و دست‌اندرکاران کتابخانه مرکز بوده است. اضافه بر این کوشش‌ها، در راه غنی‌سازی کتابخانه، علاوه بر خرید ده مجموعه اختصاصی ارزشمند، همت والای تنی چند از فرهیختگان بزرگوار عرصه علم و فرهنگ، برای تثبیت و پاسداری از این جنبش فرهنگی را نیز نباید نادیده گرفت که با اهدای کتابخانه‌های خصوصی و مجموعه‌های نفیس کتابهای خطی، عکسی و چاپی خویش همراه با اسناد و مدارک و نامه‌های تاریخی و نشریات ادواری، به گسترش این کتابخانه کمک نموده و به یاری این مرکز علمی شتافتند.تعداد این مجموعه های اهدایی اکنون افزون بر ۱۱۵ مجموعه است که در جای خود به معرفی آن پرداخته شده است. بدین‌سان کتابخانه‌ای شکل گرفت که شمار موجودی آن تا پایان ۱۳۹۴ ش بشرحی است که ملاحظه می‌فرمائید: ۷۶۳۰۱۹جلد کتاب. از این تعداد ۲۰۲۶ مجموعه خطی (در ۳۲۹۳ عنوان) و ۹۱۱۸ مجموعه آن عکسی (در ۱۲۰۲۳ عنوان) و ۷۵۱۸۷۵ جلد آن کتابهای چاپی (۸۴۵۷ مجلد آن چاپ سنگ، ۸۶۵۸ مجلد آن پرونده های علمی تجلید شده و ۷۳۴۷۶۰ مجلد آن چاپ سربی و حروفی). ۵۰۳۰ عنوان نشریهٔ ادواری. شامل ۳۰۱۹ عنوان نشریه فارسی، ۱۰۳۷ عنوان زبانهای غربی، ۷۶۱ عنوان عربی و ۲۱۳ عنوان روزنامه.

۱۳۱۰ حلقه میکروفیلم، ۴۰۱۰ قطعه اسلاید و عکس، ۵۱۱۸ عدد لوح فشرده، ۱۱۹۷۸ برگ اسناد و فرامین و نامه های تاریخی.

کتابخانهٔ مرکز اکنون در قالب ۹ بخش سازمانی به فعالیت مشغول است، این بخشها چنین است:

۱. بخش فهرستنویسی آثار چاپی: فهرستنویسی کتابهای چاپی براساس نظام طبقه‌بندی کنگره در دو بخش صورت می‌گیرد:

(الف) فهرستنویسی آثار شرقی: ازجمله اقدامات قابل ذکر دو بخش فهرستنویسی ـ علاوه بر فهرست کردن کتابها ـ تهیه گسترده برگهٔ کتاب‌ها، برابر نیاز پژوهشگران این مرکز است، یعنی برای آنکه محققان به سهولت به مندرجات کتاب آگاهی یابند، بخش فهرستنویسی در حجم گسترده‌ای این موضوع‌ها را استخراج می‌کند و به‌صورت برگه‌هایی در اختیار آنان می‌گذارد. به‌همین سبب گاه ممکن است یک کتاب مثلاً دارای ۲۰ برگه موضوعی در برگه‌دان یا حافظهٔ کامپیوتر باشد. سپس موضوع‌ها را بر اساس ضوابط سرعنوانهای موضوعی فارسی مرتب می‌نماید و در صورت فقدان

اشاره: دو ماهنامه چشم انداز ایران به صاحب امتیاز لطف الله میثمی در شماره ۹۸ این مجله (تیر و مرداد ۹۵) در مصاحبه ای با استاد سیدهادی خسروشاهی به بررسی اوضاع اخوان المسلمین در چند سال اخیر پرداخته است که در ادامه می خوانید:

اساس نامه اخوان المسلمین مصر این سازمان را خیریه و اجتماعی توصیف می کند، چه شد و چه عواملی دست اندر کار بود که آقای المرسی و یارانش در آستانه انتخابات مصر حزب عدالت و آزادی را تشکیل دادند تا بتوانند در حرکت های سیاسی مصر فعال شوند.

در اساسنامه نخستین اخوان المسلمین، یعنی در دوران تأسیس به سال ۱۹۲۸ م، توسط شهید استاد حسن البناء، موضوع خیریه ای - اجتماعی بودن سازمان مطرح شده است تا در دوره شاه فاروق، بتوانند مجوز قانونی برای فعالیت اجتماعی داشته باشند... ولی در مراحل بعدی، سازمان با پوشش همین عنوان، در همه زمینه ها فعال بود.

اتفاقاً پس از کودتای گروه افسران آزاد که به نوشته شاه فاروق در خاطرات خود: «چگونه از سلطنت خلع شدم؟» - مندرج در مجله خواندنی ها - چند نفر از افسران عالی رتبه وابسته به سازمان نظامی اخوان، در پیروزی آن شرکت مستقیم داشته اند - طبق مصوبه شورای افسران آزاد، همه احزاب سیاسی کشور، منحنه اعلام شدند و فقط سازمان اخوان المسلمین، با استناد به اساس نامه خیریه ای - اجتماعی بودن آن، از این حکم استثنا شد و جمعیت اخوان منحنه اعلام نگردید و البته در واقع، افسران آزاد، از قدرت و توان نظامی اخوان در درون ارتش و نیروهای انتظامی، آگاهی کامل داشتند - چون بعضی از آنها، از جمله سرهنگ محمد انورسادات، خود عضو سابق سازمان اخوان المسلمین بوده است - و بر این باور بوده اند که در صورت اعلام انحلال سازمان اخوان، با یک کودتای دیگر، سرنگون خواهند شد، این بود که در مرحله آغازین، و برای تثبیت پایه های قدرت خود با آنها همکاری و یا لاقال مدارا و مماشات کردند. اما تأسیس «حزب العدالة الحریه» در چند سال قبل و پس از انقلاب مردم مصر، که اخوان هم در مراحل بعدی در پیروزی آن نقش داشت، برای رسمیت دادن به فعالیت های سیاسی بود تا این بار افسران و ژنرال های حاکم پس از حسنی مبارک، به بهانه هدف اعلام شده سازمان، آنها را از فعالیت سیاسی کنار نگذارند. در واقع تأسیس حزب عدالت و آزادی، یک پوشش ظاهری برای استمرار فعالیت همه جانبه سازمان بود.

آیا تشکیل این حزب با اصل حزبی بود یعنی دارای اساس نامه و مرامنامه کارشناسی شده ای بود یا به دلیل ضرورت های انتخاباتی این حزب تشکیل شد؟

تشکیل حزب جدید، اصولاً در بطن سازمان مادر به وجود آمد و با توجه به ضرورت های سیاسی پیش آمده، با تعدیل و تکمیل اساسنامه یا مرامنامه سازمان، حزبی پدید آمد که در واقع همه و یا اغلب اعضاء و هوادار آن، همان وابستگان به اخوان المسلمین بودند. به اضافه چندین نفر معدود از غیراخوانی ها و حتی قبطی های مسیحی مصر که عضو آن شده بودند. و بدین ترتیب تأسیس حزب در آن شرایط، هم تاکتیک بود و هم استراتژی... اما در عمل باید دید که محصول آن چه بود؟

آیا تشکیل این حزب با مخالفت هایی از جانب اخوان المسلمین رو به رو نشد؟

در میان کادرهای قدیمی حزب و اعضاء «مکتب الارشاد»، که به نوعی دگماتیسم حزبی دچار بودند و یا به قول خودشان «ساترالیسم تشکیلاتی» را مراعات می کردند، مخالفت هایی با تشکیل حزبی جدا شده از حزب به عمل آمد ولی در نهایت در «مکتب الارشاد» -

توطئه حساب شده علیه اخوان

سیر تحول اخوان المسلمین مصر در گفت و گو با استاد سید هادی خسروشاهی

سعود را بدون مانع و مخالف، پی گیری و اجرایی کنند. گفته می شود که **ائتلاف وسیعی از مخالفین محمد المرسی تشکیل شد که بعد از کودتا تک تک آن ها اظهار جدایی و پشتیبانی از جریان کودتا کردند، ممکن است تک تک آن جریان ها سرنوشت شان و وضعیت کنونی شان را ذکر کنید.**

ائتلاف های مخالفین محمد المرسی و یا به طور کلی حرکت اخوان، قبل از کودتا و پس از کودتا به طور کلی در کنار ژنرال های مخالف حکومت اخوانی ها بودند... اگر بعضی از آنها پس از کودتا، اظهار جدایی و پشتیبانی کردند، برای آنست که خود کنار گذاشته شده اند و سرنوشت رهبری این جریان ها، متعدد و وضعیت کنونی شان، تقریباً تشابه کامل با وضعیت اخوان دارد... یعنی اگر کشته نشده و یا فرار نکرده باشند، اکنون در زندان های متعدد و کثیر الحجز، ژنرال سیسی و اربابان اجنبی او، در انتظار محاکمه نظامی! به علت مخالفت با «انقلاب» - یعنی کودتا - هستند.

بعد از سقوط محمد المرسی اسد رئیس جمهور سوریه خوشحال شد و آن را پایان اسلام سیاسی دانست، در حالی که با این کار عربستان در مصر قدرت گرفته است که حامی مخالفین اسد است. خوشحالی اسد از این کودتا چه تعبیری دارد؟

اخوان المسلمین شاخه سوریه، از زمان جناب حافظ الاسد، از مخالفین سرسخت حکومت بعثی ها در سوریه بوده اند... برخورد وحشیانه با اخوان در زمان حافظ الاسد، و قتل عام مردم «حمه» توسط ژنرال رفعت الاسد - برادر حافظ - و سرکوب بقیه اسلام گرایان در سراسر سوریه، نشان دهنده سابقه دشمنی بین اخوانی ها با بعثی ها است!

در آغاز و جریان اخیر هم باز اخوان آغازگر مخالفت مسالمت آمیز با استمرار حکومت بعثی ها بودند، ولی این بار آنها، خواستار شرکت در انتخابات آزاد و حضور و شریک بودن در حکومت بودند... اما متأسفانه برخورد خشونت آمیز و تکرار تجربه

غلط سابق، باعث استمرار و گسترش فاجعه گردید و دشمنان، و در رأس آنها بنی سعود، تکفیرهای وهابی را از همه جای دنیا به سوریه آوردند و از این کشور ویرانه ای ساختند که متأسفانه نمی توان عمق فاجعه را در چند سطر بیان کرد... پس از پایان فاجعه، ابعاد گسترده آن روشن خواهد شد.

خطای آقای بشار الاسد - البته نه در مبارزه ضروری با تروریسم و جلوگیری از تقسیم سوریه - این بود که اخوان را تنها نماینده «اسلام سیاسی» می داند و به همین دلیل از سقوط محمد المرسی اظهار خوشحالی می کند، در حالیکه خوشحالی از به اصطلاح پایان «اسلام سیاسی»، یک اشتباه سیاسی دیگر است...

اگر اسلام سیاسی ایران نبود، طبق اعتراف خود آقایان، امروز دمشق و بغداد و غیره، در اختیار داعشی ها و تکفیری های وهابی بود... اشخاصی مثل آقای بشار الاسد، هنگام صحبت از «اسلام سیاسی» باید با مفهوم آن آشنایی کامل باشند و بعد به داوری بنشینند!

کری، وزیر خارجه امریکا، در گفت و گو با پادشاه عربستان گفته بود که امریکا از سال ۱۹۹۲ این نحله از اخوان المسلمین رابطه برقرار کرده بد و از آنجایی که این نحله جریان معتدلی بودند می توانستند مانع جریان های رادیکال و تروریست شوند. این موضوع تا چه حد صحت دارد و آیا همین رهبران اخوان از این قضیه اطلاع داشتند؟

طبق اطلاعاتی که من از «طریق خاص» به هنگام

مخالف رژیم خود می دانستند، در امان بمانند. در کل به نظر من، قبول تشکیل دولت از طرف اخوان با توجه به شرایط داخلی کشور، و اوضاع منطقه، ناشی از یک توطئه حساب شده علیه اخوان بود تا در عمل نشان داده شود که آنها توانایی اداره کشوری را ندارند. در گفتگویی که اینجانب در هفته قبل - ۲ رمضان ۱۳۹۵ - با برادر ارجمند مهندس یوسف ندا، مسئول سازمان اخوان بین الملل - مقیم سویس - داشتم، او به صراحت در پاسخ من گفت که قبول تشکیل حکومت از طرف کسانی که کوچکترین تجربه عملی در اداره حکومت را نداشتند و فقط در عالم تئوری و آرزو، خواستار پیدایش یک نظام اسلامی بودند، یک اشتباه و خطای نابخشودنی بود که متأسفانه مکتب ارشاد دچار آن شد! و البته عملکرد و نتایج حاصله، صحت نظر برادر یوسف ندا را به خوبی اثبات می کند!

آیا هدف رهبران اخوان المسلمین از اتحاد با حزب نور، که بیشتر از عربستان الهام می گرفت، و ژنرال های ارتش این بود که حتماً رأی کافی برای به دست گرفتن قوه مجریه را به دست آورند؟

هدف رهبری اخوان از اتحاد با سلفی ها و دو طلیعه آنها حزب نور که وابسته رسمی به بنی سعود و وهابگیری ریاض است و همکاری ژنرال های باقیمانده از دوران ژنرال حسنی مبارک، در عالم خیال - باطل البته - برای تحکیم پایه های قدرت بود. اما در عمل

با کمیته مرکزی حزب - با تصویب «مرشد» - رهبری - تصمیم با تشکیل حزب موافقت شد و آن را با اصل وحدت تشکیلاتی درونی، منافی تشخیص ندادند و اصولاً در سازمان اخوان، تصمیم نهایی در همه امور با توافق اکثریت آراء «مکتب الارشاد» و تصویب نهایی «مرشد» انجام می پذیرد.



شهید حسن البنا

بعضی معتقدند که اگر اخوان المسلمین قوه مجریه را در دست نمی گرفتند، بقا و دوامشان بیشتر می شد، در حالی که تجربه حزب سیاسی را هم نداشتند و عملکرد خوبی هم از خود نشان ندادند. خبری هم در روزنامه ای منتشر شد که مک کین از خیرت الشاطر تقاضا کرده بود که نامزد ریاست جمهوری شود. آیا این کار برای آن نبود که آن ها به قدرت برسند و با عملکرد نادرست و بهانه دادن به ژنرال ها به کلی از صحنه خارج شوند؟

این اعتقاد به نظر اینجانب هم - دور از واقعیت نیست. سازمان اخوان در طول نود سال تاریخ خود، علیرغم تجدید نسل ها، هرگز تجربه کار رسمی و دولتی و اداره کشور را نداشتند و در عمل هم با پذیرفتن شرکت در انتخابات ریاست جمهوری، که نخست به شدت با آن مخالف بودند و حتی یکی از برجسته ترین و نیرومندترین اعضاء

مکتب الارشاد، برادر عزیزمان دکتر عبدالمنعم ابوالفتوح راه، به دلیل اصرار بر شرکت در انتخابات از سازمان به طور رسمی «خراج» کردند... در مراحل بعدی می توان گفت در دامی گرفتار شدند که غربی ها و دشمنان اخوان آن را بر سر راه آنها گسترده بودند و سازمان، تا عمق! در درون آن افتاد و گیر کرد، چرا که وارث کشور ورشکسته ای شده بودند که در انبهارها حتی گندم برای بیش از یک ماه نداشتند و بدهی های باقی مانده از دوران حکومت سی ساله مبارک، باری بر دوش آنها بود و از سوی دیگر، ارتجاع عرب در کلیت خود و در طلیعه آنها، سلطان و طبقه حاکمه مرتجع بنی سعود، با هر نوع قدرت یابی اخوان در مصر، مخالف بودند، چون آن را مقدمه ای برای پیروزی حرکت های اسلامی دیگر، و شاید در بلاد خود می دیدند که البته به صلاح خود نمی دانستند.

برادر دیگر ما خیرت الشاطر، یا هر یک دیگر از اعضاء مکتب الارشاد که بر سر کار می آمد، توانایی رفع مشکلات جامعه، به ویژه در زمینه اقتصاد را نداشتند و حتی در عمل دیدیم که علیرغم «تملق» غیرمشروع اخوانی ها - به ویژه آقای دکتر محمد المرسی - از بنی سعود و اقدام به سفر شتاب زده به ریاض، بنی سعود حتی یک دلار هم به حکومت جدید اخوانی، کمک نکردند... اما پس از کودتای ژنرال سیسی، نخستین کمک ۵ میلیارد دلاری را بنی سعود به وی تحویل دادند و به دیگر اذنان و دنباله های خود، از ارتجاع عرب در منطقه خلیج فارس، میلیاردها دلار دیگر به حکومت کودتا کمک کردند تا از «شر» اخوان که در ته دل خود آنها را



شهید نواب صفوی و شهید سید قطب در کنفرانس قدس، امان - اردن

میدان دادن به زمینه سازی برای پیروزی کودتای از پیش طراحی شده بود.

دکتر مرسی به عنوان رئیس جمهوری وابسته به اخوان! با ارسال نماینده ویژه لت پیام خاص به «دوست عزیز» «شمعون پز!» نشان داد که برای ماندن در قدرت، حتی مهم ترین مسئله ارزشی دنیای اسلام و عرب را زیر پا می گذارد... غافل از آنکه همین امر به جای تکیه به قدرت ایمان و توان توده ها، عامل اصلی سقوط و شکست خواهد بود.

چه شد که اخوان المسلمین برای اداره امور مصر از البرادعی و جریان های دیگر دعوت نکردند؟

اخوان در دوره به ظاهر حکومت خود، نه تنها با عناصری چون البرادعی، بلکه با احزاب و سازمان های سیاسی معروف و قدیمی مانند: الوفد، حزب الناصری، حزب اليسار و حتی جوانانی که آغازگر انقلاب بودند، هیچ نوعی همکاری و تفاهم به عمل نیاوردند و جز سلفی ها، آن هم به انتظار کمک بنی سعود، همه احزاب و جریان ها را کنار زدند و در نتیجه همین «تمایم خواهی» و «خودمحوربینی» در جامعه ای چون مصر، وقتی مقدمات کودتا آغاز شد و سرکوب و کشتار مردم مسلمان در مساجد و خیابان های قاهره و اسکندریه و... توسط دژخیمان ژنرال سیسی ادامه یافت، اخوانی ها در صحنه تنها بودند... و سلفی ها هم طبق دستور ریاض، به طول کامل در کنار ژنرال سیسی قرار گرفته تا در مراحل بعدی بتوانند اهداف وهابیکران بنی

از اعزام نیروی زمینی برای کمک به «تحالف سعودی» و کشتار مردم یمن همکاری نکرد و گویا از تجربه شکست فاحش سرهنگ ناصر، در اعزام نیروی زمین به یمن، برای جنگ با نظام سلطنتی و تحکیم پایه های جمهوری جدید و با کشته شدن هزاران سرباز مصری و عدم موفقیت در هدف، عبرت گرفته و اقدامی نکرد...

و البته این به مفهوم جدایی وی از بنی سعود نیست، چرا که هدف هر دو، در منطقه، سرکوب جریان های اسلامی و مقاومت، تجزیه کشورهای مستقل عربی، تسلیم نمودن نیروهای مردمی ضدصهیونیستی - ضد امپریالیستی در منطقه است... اما می بینیم که در این هدف، پس از ماه ها جنایت و آدمکشی و تخریب زیرساخت های یمن و ویران نمودن یک کشور عربی فقیر، توفیقی به دست نیاورده اند.

چشم انداز آینده مصر را چگونه می بینید؟
مصر از یک سو با تروریست های صحرای سینا مبارزه می کند و از سویی دیگر دست اتحاد به سوی عربستان دراز کرده است که حای این تروریست هاست.

اصولاً بنی سعود خواستار پیدایش و استقرار یک حکومت مستقل و نیرومند در مصر نیست و آن را نوعی خطر برای حفظ رژیم پوسیده سلطنتی خود می داند و به همین دلیل به تروریست های تکفیری در صحرای سینا و منطقه، شیخ زوید کمک می کند و از سوی دیگر، دست دراز شده مصر برای اتحاد! با عربستان را به گرمی نمی فشارد بلکه می خواهد دست نیاز مصر همیشه به سوی او دراز باشد، و او از همین نقطه ضعف، مصر را برای اهداف خود، در کنار خود نگهدارد. به عبارت دیگر بنی سعود، مصر نیرومند نمی خواهد، بلکه مصری را می خواهد که در «جامعه الدول العربیه» که مقر آن در قاهره قرار دارد و رئیس آن هم مصری است - بیابیه هائی بر ضد ایران و سوریه و عراق و حتی لبنان، با کمک ژنرال حاکم بر مصر، صادر گردد! و دولت رسمی سوریه را از آن اخراج کند و مانند سازمان ملل با دلارهای نفتی آن را در اختیار داشته باشد...

روند رخدادها نشان می دهد که مصر، عربستان، ترکیه و اسرائیل و تا حدی امارات و کویت علیه ایران هماهنگی هایی داشته اند، این هماهنگی ها تا چه حد برای منافع ملی ما خطرناک است؟ و چه باید کرد که این هماهنگی ها خنثی شوند؟

روند رخدادها در رابطه با موضع گیری های خصمانه ارتجاع عرب و رژیم صهیونیستی، همواره نوعی هم آهنگی را نشان داده است و این روش مربوط به زمان کنونی نیست بلکه از آغاز پیروزی انقلاب شروع شده و همچنان ادامه یافته است...

همه این دولت ها، در جنگ تجاوزکارانه حزب بعث عراق بر ضد ایران اسلامی، طبق اعتراضات بعدی خودشان، میلیاردها دلار کمک های نقدی به صدام تقدیم داشتند و بعضی ها، از جمله مصر و سودان و حتی سربازان مزدوری را در اختیار دولت عراق قرار دادند که عده ای از آنها به اسارت نیروهای رزمنده ایرانی درآمدند... و البته این برخورد های خصمانه و هم آهنگی های موجود در صحنه، برای منافع ملی ما خطرناک است ولی ایران اسلامی هم همواره هوشیار و بیدار، این خطر ها را خنثی کرده و به یاری حق، علیرغم خسارت هایی، همیشه پیروز صحنه بوده است... و اکنون هم این هم آهنگی ها با توجه به توان همه جانبه ایران، نمی تواند خطر جدی متوجه ایران بکند و در صورت هر نوع اقدام منفی، با واکنش سریع و قاطع ایران اسلامی رو به رو خواهد شد و این نکته را البته همه دشمنان ایران می دانند... و آنها، در کل اگر از قدرت ایران در زمینه های گوناگون آگاه نبودند، هرگز در حمله نظامی علیه ایران، تردیدی به خود راه نمی دادند...

ادامه در صفحه بعد

که اسناد موجود عکس این را نشان می دهد.

اردوغان پس از سقوط حسنی مبارک و با پیروزی دکتر محمد المرسی در انتخابات ریاست جمهوری، بلافاصله به یک سفر فوری به مصر، لیبی و تونس رفت و از رهبری حرکت های اسلامی و مستولان جدید این کشورها رسماً خواستار تشکیل یک «دولت سکولار» - منهای حاکمیت مذهب - گردید و معلوم نشد که چه کسی به ایشان وکالت داده که به خود اجازه دهد و به مسئولین حرکت های جدید در بلاد عربی، طرح و برنامه بدهد و نسخه سکولاریستی بپیچد؟ روابط اردوغان با بنی سعود هم به ظاهر یک اقدام تاکتیکی است... او اکنون به هر دری می زند تا خود را از باتلاقی که در آن فرو رفته است نجات دهد، اما شکی نباید داشت که اردوغانیسم! مانند داعشیسم! دوران پایانی خود را سپری می کند و با جنایاتی که متأسفانه آن هم به نام اسلام مرتکب شده اند، جایگاهی در میان مردم مسلمان منطقه و حتی بلاد خود ندارند.

آقای اردوغان در اتخاذ سیاست ماکیاولیستی، شهره آفاق شده و اخیراً بسیار تلاش می کند که با اسرائیل هم روابط حسنه ای برقرار

نموده و روابط سیاسی سابق را - که گویا مدعی بود تا تعیین تکلیف مردم غزه و رفع کامل محاصره، تحقق نیابد، ایجاد روابط محال است - از نو احیا کند!

بنابراین در سیاست ماکیاولیستی عثمانی گری نو - اتخاذ روش های متضاد درباره امور، مسئله غیرعادی نیست ... و می دانیم که همین جناب اعدام شهید نمر باقر النمر را یک امر داخلی در کشور سعودی خواند و اعتراض ایران را، بی شرمانه دخالت در امور داخلی دیگران نامید. ولی در مورد اعدام ظالمانه «مطیع الرحمن» از رهبران حرکت اسلامی بنگلادش را که توسط رژیم حاکم کنونی، به اتهام اقدام چهل سال قبل! موضع گرفت و آن را به شدت تقبیح نمود و گویا این امر، دخالت در امور داخلی بنگلادش نیست! و تازه مرشد اصلی خود شیخ فتح الله گلن را هم که در حال تبعید در امریکا به سر می برد می خواهد به عنوان تروریست به ترکیه بیاورد و به دادگاه بکشانند.

البته اشاره کردم که او دچار نوعی بیماری خودبزرگ بینی شده و حتی به طور صریح هیتلر را تنها زامدار مورد پسند و علاقه خود نامید که باید گفت: هایل هیتلر! هایل اردوغان افندی!

من با توجه به سوابقی که با زنده یاد نجم الدین اربکان و خود جناب اردوغان - در دوران همکاری وی با حزب سلامت ملی پارتی سی و بعد حزب رفاه - داشتم بعدها از مرحوم اربکان پرسیدم که اردوغان چرا چنین شده؟ او در یک جمله کوتاه به ترکی به من گفت: اردوغان قارداشمیز! اوزومدی، شراب اولدی... - یعنی بردارمان اردوغان روزگاری انگور بود که متأسفانه به شراب تبدیل شد ...

با توجه به سیادت که مصر در دنیای عرب داشته است آیا حاضر است با توجه به مشکلات اقتصادی و وابستگی مالی به عربستان به طور کامل با عربستان همکاری کند؟

مصر را سالیانی درازی، حداقل بالغ بر نیم قرن، دیگر نمی توان سیادت در جهان عرب دانست حتی در دوران طلایی! سرهنگ ناصر هم، سیادت بر بلاد عربی نداشت... جنگ او در یمن! وحدت او با سوریه و... شکست کامل در بازی های سیاسی دیگر، آن تصور سیادت را به کلی باطل ساخت... و اکنون هم ژنرال سیسی که یک نظام میلتراریستی - فاشیستی را سرپرستی می کند، هیچگونه وجهه ای در داخل مصر ندارد تا چه رسد به بلاد عربی دیگر! و البته او کاملاً به خاطر کمک های میلیاردری، سرسپرده بنی سعود است، اما بنی سعود به او بهایی در سطح همکاری مطلق نداده است به ویژه که او علیرغم دریافت کمک ها و وعده ها،

دیگر از اعضاء اصلی مکتب ارشاد هستند!

اما همه این «محنت ها» نتوانستند حرکت اخوان المسلمین را از صحنه مصر کنار بگذارند و به قول برادر ارجمند مهندس یوسف ندا، - در گفتگوی اخیر با اینجانب - این بار هم، اخوان قوی تر از گذشته سر بلند خواهند کرد ولی بی تردید اشتباهات پیشین را تکرار نخواهند نمود... به غرب و دشمن صهیونیستی خوشبین خواهند بود و به همان ارزش های اصیل و اصلی اخوان



مرشد، رهبران و اعضای مکتب الارشاد اخوان المسلمین مصر در ضیافت! سرهنگ عبدالناصر

حسن البنا و سید قطب، باز خواهند گشت. این دیدگاه یوسف ندا بود، و دیدگاه اینجانب نیز چنین است...

عامل اصلی حساسیت بنی سعود و شیوخ مرتجع منطقه به ویژه سلطه گران اماراتی، آنست که آنها قدرت یافتن اخوان را در مصر - یا در بلاد خودشان - خطری جدی و تسریع کننده در زوال رژیم کهنه و پوسیده خود می دانند و این اخوان هراسی را دشمنان اخوان و در رأس آنها استکبار غربی و صهیونیسم بین الملل و ارتجاع عرب جاهلی حاکم بر بلاد عربی، تشدید می کنند و تا آنجا برای جلب رضایت اربابان خود پیش رفته اند که جریان اخوان نود ساله را تازه یک سازمان تروریستی یافته اند!... انگ بی مبنی و مسخره ای که همگان بر آن می خندند.

ترکیه با سقوط محمد المرسی به شدت مخالفت کرد، ولی چه شد که با عربستان رابطه نزدیکی دارد در حالی که می داند عربستان پشت کودتا علیه محمد المرسی بود؟

واقع مطلب در مورد دیکتاتوری آقای رجب طیب اردوغان آنست که وی دچار نوعی بیماری و جنون قدرت شده و پس از ساختن کاخ یک هزار و یکصد اتاقه! خود به یاد سلطان های عثمانی - که به غلط خلفای عثمانی نام گرفته اند - افتاده و می خواهد جای آنها بنشیند و بعد بساط خلافت اسلامی! راه بیندازد که سلطان هم خود او باشد... کمک بی دریغ تسلیحاتی و لوجستیکی اردوغان به باند تبهکار فاشیستی داعش و جبهه النصره و جیش الحراء در همین رابطه بود و متأسفانه او در اوج جنون، ارسال بمب و موشک و مواد انفجاری به تروریست های تکفیری در سوریه - و عراق - را نوعی کمک های انسانی!! نامید و وقتی روزنامه ترکیه ای این دغلبازی را با چاپ عکس های موشک و سلاح های پیش رفته که به سوریه ارسال می شد، افشا کرد، مسئولین روزنامه را بازداشت و به محاکمه کشانید.

من خود یک سخنرانی بی ربط و غیرمنطقی او را در مورد علت ارسال موشک و مواد انفجاری به تروریست ها را شنیدم که با بیشمری تمام گفت: من گفته ام کمک های انسانی! و کمک های انسانی همیشه نان و روغن نیست، گاهی کمک های انسانی ضروری تر در برهه جنگ مطرح است که برای تقویت نیروهای رزمنده مجاهد، بی تردید «کمک های انسانی» نام دارد!!

و عجیب آنکه نامبرده و دیگر حاکمان و مسئولان «آق پارتی» همچنان کمک های نظامی و تربیت تروریست ها در خاک ترکیه را انکار می کنند و آن را ساخته و پرداخته روسیه و رژیم اسد می نامند! در حالی

اقامت در قاهره به دست آورده بودم، روشن بود که «امریکایی ها» با «بعضی از اخوانی ها» - که نام آنها را نمی برم - دیدارها و توافق هایی داشته اند و حتی مصاحبه های بعضی از آنها در قاهره و قبول مسئله فلسطین در شکل کنونی! برای جلوگیری از خون ریزی و قابل حل بودن مسئله از طریق مذاکره! نشان می داد که این نخله می خواهند به عنوان بخش معتدل اخوان، با امریکایی ها همکاری کنند تا به قدرت برسند... غافل

از آنکه خواست همین امریکایی ها بود که اخوان در دوران سرهنگ ها دو بار قتل عام شدند و... پذیرش نیرنگ امریکایی ها، در مرحله اخیر نیز برای اخوان، فاجعه سنگین تری را به ارمغان! آورد ولی بی تردید این پایان ماجراها نیست!

در شرایط کنونی وضعیت اخوان المسلمین مصر را چگونه ارزیابی می کنید و آیا امکان قدرت گرفتن مجدد آن ها وجود دارد؟ و چرا عربستان و امارات به شدت به فعالیت های اخوان المسلمین حساسیت نشان می دهند و آنان را دستگیر اندازند.

اخوان از دوران شاه فاروق با ترور شهید حسن البنا توسط عوامل دربار، به خواست یا دستور رسمی سفارت انگلیس و امریکا در قاهره، دچار اختناق و فشار و قتل و زندان بوده اند.

در دوران سرهنگ ناصر که با پشتیبانی اخوان و سازمان نظامی آن - به روی کار آمده بود، سرکوب اخوان شدیدتر و بی رحمانه تر شد... سرهنگ ناصر حتی حضور شهید نواب صفوی که به دعوت شهید سید قطب پس از کنفرانس قدس در امان، به مصر رفته بود و در دانشگاه فؤاد اول قاهره برای ۷۰ هزار دانشجوی و مردم عادی سخنرانی می کرد، تحمل نکرد و گروه «لباس شخصی های!» مصری با چوپ و چماق به دانشگاه حمله کردند و صدها نفر را مضروب و مجروح و دستگیر کردند... و سپس شبانه شهید نواب صفوی را که در دفتر مجله «المسلمون» ارگان رسمی اخوان، در مرکز سازمان، اقامت داشت، شبانه بازداشت و به شهربانی بردند... و روز بعد، پس از اعلام «انحلال کامل جمعیت اخوان المسلمین» و مصادره کلیه اموال آن و دستگیری همه اعضای مکتب الارشاد!، نواب صفوی را تحویل شیخ احمد حسن الباقودی، وزیر اوقاف مصر دادند و بعد از دو روز و ملاقاتی با ژنرال نجیب، سرهنگ ناصر، محترمانه ایشان را از مصر خارج کردند...

در مرحله بعدی، باز توطئه ساختگی و مسخره «طرح ترور ناصر» توسط یک عضو اخوانی، آن هم از فاصله ۶۰۰ متری در میدان المنشیه، با سرکوب و اعدام آغاز شد و این امر تا پایان حکومت ناصر ادامه یافت.

در دوره سادات، برای مبارزه با جریان چپ و هواداران ناسیونالیست ناصر، اخوان برای مدتی مانند بقیه رهبران احزاب آزاد شدند... که پس از به دست آوردن نتیجه مطلوب... باز اخوان «قربانی» شدند...

در دوران ژنرال حسنی مبارک، اعضای اصلی مکتب ارشاد اخوان همچنان در زندان ها بودند و فقط با برنامه سیاست آشتی ملی! اجازه فعالیت برای شرکت در انتخابات به آنها داده شد، به شرط آنکه به نام «اخوان» نباشند.

و در مرحله بعدی هم که همین برهه کنونی است، ژنرال سیسی که در مقابل محمد المرسی به قرآن سوگند یاد کرده بود که به نظام جدید وفادار! بماند، با یک کودتای فاشیستی، بیش از سه هزار نفر را در مسجد رابعه العدویه و میدان التحرير قاهره و جاهای دیگر، قتل عام کرد و یازده هزار نفر زخمی و مجروح را به بیمارستان ها و سپس به زندان ها منتقل نمود... و همزمان حسنی مبارک و پسران و اعضای دولت او را به بهانه های مختلف در دادگاه نظامی! تبرئه نمود ولی اکنون در انتظار اجرای حکم اعدام دکتر مرسی و چند نفر

ادامه از صفحه قبل

البته این توانایی ها، نباید ایران اسلامی را از اجرای برنامه های ویژه، در جلوگیری از نتایج بالقوه و احتمالی دشمنی های هم آهنگ شده، باز بدارد. هوشیاری و بیداری، نقطه اساسی در خنثی کردن توطئه ها تواند بود. **واگذاری جزایر مصری به عربستان چه پیامدهایی دارد؟ گفته می شود از همین جزایر بود که گویا عبدالناصر می خواست به اسرائیل حمله کند.**

بخشش خائنانه دو جزیره در دریای سرخ؛ به بنی سعود توسط ژنرال سیسی، خیانتی آشکار بر ضد منافع ملی مصر و کشورهای منطقه است.

این دو جزیره البته از لحاظ نظامی و استراتژیک در موقعیتی قرار ندارند که بتوانند مرکز آغاز یک هجوم نظامی از طرف دولتی به شمار آیند... ولی می توانند در موقعیت دفاعی در قبال هجوم دریایی دشمن قرار گیرند و اکنون خیال اسرائیل از این دو جزیره راحت تر و آسوده تر خواهد بود. گرچه قبل از بنی سعود هم، اسرائیل از حکومت مصر احساس نگرانی نمی کرد.

اما اینکه جناب سرهنگ ناصر می خواسته از این دو جزیره به اسرائیل حمله کند! معقول به نظر نمی رسد، زیرا که موقعیت جغرافیایی آن دو جزیره، با فاصله ای که با مرکز مصر دارند، این اقدام را غیرعملی و غیرمقدور می ساخت... به ویژه که به نظر من اصولاً جناب سرهنگ ناصر و همکارانش، اصولاً قصد حمله به اسرائیل را نداشتند و شعارهایی که داده شد، جملگی بی پایه بودو مانند شعارهای پرپولیستی عصر ما - مثلاً در مورد مهرورزی و مدیریت جهانی! و افسانه هایی از این قماش - نتیجه مثبت و منطقی نداشت.

من در مدت اقامت سه ساله در قاهره، خیلی از مسائل دوران ناصر و بعد از او را، به عنوان یک پژوهشگر تاریخ، مورد تحقیق و بررسی علمی و به اصطلاح آکادمیک - نه احساسی و با ذهنیت ویژه علیه حکومت ناصر - قرار داده ام و به وضوح به این نتیجه رسیده ام که مدعیان حمله به اسرائیل، هرگز همچو نیتی نداشتند اند، زیرا که نیروهای مصری - ده ها هزار سرباز، صدها توپ و تانک و نیروهای موتوریزه - در صحرای سینا حضور داشتند و نیروهای زیادی با تجهیزات مختلف، در مرز سرزمین های اشغالی آماده باش داشتند ولی متأسفانه با نابودی سریع نیروی هوایی مصر، این نیروها در واقع بدون پشتوانه هوایی ماندند.

البته سرهنگ ناصر در مورد نابودی کامل نیروی هوایی مصر، توسط جنگنده های اسرائیلی، گفت: «کنا ننظر العدو من الشرق، فجاء من الغرب!» ایشان گویا آماده بوده که اگر دشمن از شرق آمد، به مقابله برخیزد ولی آنها برخلاف تصور وی! از ناحیه غرب حمله کردند در صورتی که یک فرمانده آگاه و کاردان، باید هم شرق کشور را زیر پوشش دفاعی داشته باشد و هم از ناحیه غرب هم آمادگی لازم را داشته باشد! علاوه بر این، آنچه که در این معرکه مسلم و در عین حال اسف بار و فاجعه آمیز بود، صدور فرمان عقب نشینی نیروهای مصری، از همه مناطقی بود که در آن ها حضور یافته بودند...

نتیجه این فرمان را من در یک فیلم واقعی مصری که از تلویزیون قاهره، در بررسی علل شکست و سپس عوامل پیرو آن در جنگ رمضان، پخش می شد، دیدم: ستون هایی از تانک ها و زره پوش ها و خودروهای نظامی مملو از سربازان، در صحرای سوزان و مسطح سینا، در حال عقب نشینی - که البته بدون پشتوانه دفاعی، بودند - توسط جنگنده های اسرائیلی، یکی پس از دیگری، شکار

شدند و من فکر نمی کنم که یک وسیله جنگی نظامی به سلامت به پایگاه خود برگشته باشد. از آن طرف، در کانال سوئز، کشتی ها و قایق های کوچک و بزرگی، مملو از نیروهای پیاده نظام مصری در حال بازگشت بودند که یکی پس از دیگری، با یک موشک کوچک هواپیماهای اسرائیلی، غرق می شدند و در واقع به جای آنکه به گفته آقای ناصر، او بتواند یهودی ها را به دریا بریزد - که شعار صد در صد غلطی بود - این یهودی ها بودند که هزاران سرباز مسلمان مصری را به دریا ریختند و به قعر آب فرستادند!

من این موضوع را با سرهنگ حسین شافعی از گروه افسران آزاد که در زمان کودتا فرمانده بخش موتوریزه نیروها بود و بعد هم چهارده سال تمام، معاون اول السید رئیس! - به قول او - بود، پرسیدم و گفتم: من کارشناس امور نظامی نیستم ولی وقتی نابودی نیروهای مصری را



سرهنگ عبدالناصر، شهید شیخ محمد فرغلی و سرهنگ حسین شافعی

در زمین و دریا دیدم، تعجب کردم و از خود پرسیدم که چه کسی دستور عقب نشینی داده است؟ و افزودم: به نظر من اگر این همه نیروی موجود در مرز و صحرای سینا، به جای عقب نشینی، به داخل اراضی اشغالی فلسطین هجوم می بردند، بی تردید می توانستند بخش های عمده ای را از اراضی به اشغال خود درآورند و به جای اشغال صحرای سینا توسط اسرائیل، این مصری ها بودند که بخشی از فلسطین را آزاد کرده بودند»

شادروان سرهنگ حسین شافعی، که در اواخر عمر ناصر - به گفته خود او به خاطر جلب رضایت آمریکایی ها، ناگهان او را از معاونت اولی بر کنار نموده و به سرهنگ انور سادات فرمان معاونت اولی داده بود - به صراحت گفت: این اشتباه فاجعه بار، توسط عبدالحکیم عامر، فرمانده کل نیروهای مسلح صادر شد و هیچگونه دلیل و منطق معقولی هم در لزوم صدور این فرمان ارائه نکرد...

و من گفتم: و بعد هم گویا او در بیت جمال عبدالناصر، قهوه خورد و خودکشی کرد?... سرهنگ شافعی گفت: من خود در آن جلسه بودم و همگی قهوه خوردیم ولی عبدالحکیم عامر پس از شنیدن انتقادهای از اطاق بیرون رفت و چیزی نگذشت که جنازه او در آشپزخانه پیدا شد... گویا او با سمی که همراه خود داشته، خودکشی کرده بود... (متن کامل گفتگوی من با آقای حسین شافعی که در اواخر عمر، یک فرد مذهبی شده بود، در زمان حیات او در مصر منتشر گردید و ترجمه فارسی آن هم در ایران انتشار یافت... البته بیشتر گفتگوهای ما درباره کودتای افسران، نقش اخوان و دیدگاه های وی درباره انقلاب اسلامی ایران بود که بسیار منصفانه و مثبت بود و آرزو داشت که سفری به ایران داشته باشد... او در زمان شاه یک بار به ایران آمده بود.)

مصر از روسیه درخواست انرژی هسته ای کرده است، آیا این امر تلاشی برای مقابله با ایران هسته ای است؟ و آیا اسرائیل علی

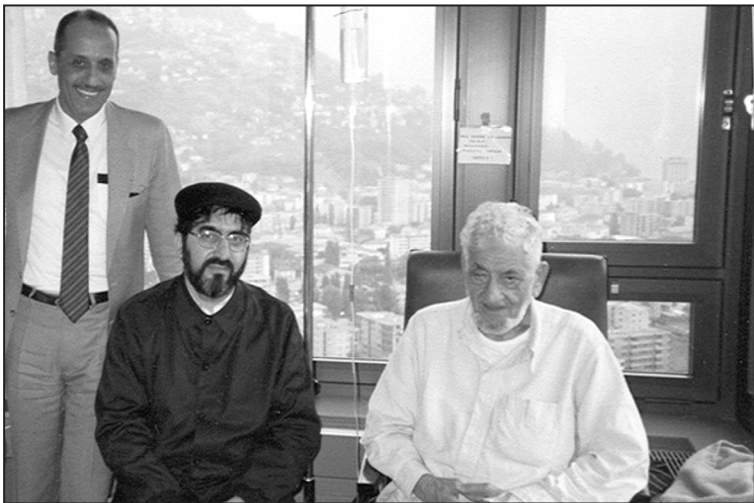
رغم نزدیکی به مصر اجازه می دهد که مصر تکنولوژی هسته ای داشته باشد.

درخواست داشتن فن آوری انرژی هسته ای از طرف مصر، نمی تواند برای مقابله با ایران هسته ای باشد، چرا که ایران از انرژی هسته ای سالم و صلح آمیز استفاده می کند و از روز نخست هم اعلام کرده بود که نمی خواهد بمب هسته ای بسازد و اصولاً طبق موازین شرعی، داشتن و استفاده از آن! امری غیرمشروع و حرام می داند، بنابراین مصر هم که خواهان ساختن سلاح هسته ای نیست بلکه می خواهد از تکنولوژی هسته ای، برای استفاده های صلح آمیز و مورد نیاز مردم مصر از جمله «برق» - که اغلب نقاط دورافتاده و روستاهای آن، فاقد برق هستند - بهره مند شود و این امر با توجه به توافق های موجود بین نظام مصر و دولت اشغالگر صهیونیستی نمی تواند برای اسرائیل خطرناک باشد و بر فرض اگر روزی مصر در فکر تولید سلاح هسته ای باشد، نه آمریکا به آن این اجازه را خواهد داد و نه اسرائیل آن را تحمل خواهد کرد...

به هر حال استفاده صحیح و سالم از انرژی هسته ای حق مسلم هر ملتی است و داشتن سلاح هسته ای هم از دیدگاه امپریالیسم جهانی و صهیونیسم بین المللی گویا در منطقه فقط حق! مسلم اسرائیل است!... و اتفاقاً همین نکته به اصطلاح «قوت» دشمن صهیونیستی، ممکن است روزی تبدیل به «تهدید جدی» بر ضد خود آن

گردد.

سید حسن نصرالله (حفظه الله) چندی پیش در یک سخنرانی رسمی، اعلام کرد که در صورت تجاوز اسرائیل به لبنان، این بار «مقاومت» با موشک هایی که در اختیار دارد، مرکز اتمی دیمونا و جاهای دیگری که ما محل دقیق



از راست: شیخ عمر تلمسانی، استاد سیدهادی خسروشاهی، مهندس یوسف ندا (رهبر اخوان بین الملل) در عبادت از شیخ در بیمارستان لوگانو - سوییس

تونس، دچار گرفتاری های دیگر حرکت های سیاسی - اسلامی در بلاد عربی نشود.

یعنی رهبری النهضة طبق اعلام رسمی قبل از پیروزی در انتخابات... «به صندلی نخواهد چسبید» و آراء مردم برای آنها محترم و ارزشمند است. خود شیخ راشد، قبل از سفر به تونس و در همان آخرین روزهای اقامت اجباری در لندن، در یک گفتگوی تلفنی در پاسخ به پیشنهاد من که خود را کاندیدای ریاست جمهوری بنماید، گفت: ظاهراً دوران فعال بودن ما در این سنین، گذشته است! باید میدان را برای جوانان آماده کرد و فعالیت را به آنها بسپاریم و اگر از ما کاری ساخته باشد، همان ارشاد و یا رهنمود دادن است که مبدا حرکت جوانان دچار انحراف گردد...

... راشد پس از مراجعت به تونس و پیروزی نخستین حزب در انتخابات عمومی، دولت نخستین را با مشارکت بقیه احزاب و جریان های سیاسی - حتی سکولارها - تشکیل داد ولی خود را کاندیدای ریاست نکرد و معلوم شد که او به دنبال کسب قدرت شخصی نیست... در دور بعدی، وقتی پیروز اصلی انتخابات نشدند، به جای اعلام مخالفت و ادعای تقلب، قدرت و نخست وزیری و دولت را به دیگران واگذار کردند و در پارلمان هم با حزب حاکم جدید، همکاری نمودند...

اگر شیخ راشد و حزب النهضة، موضع افراطی و تمامت خواهی و حذف بقیه را - مانند مصر دوره دکتر مرسى - در پیش می گرفت، بی تردید سرنوشت تونس، بهتر از مصر و لیبی نمی شد... چون تونس ژنرال و سرهنگ کودتاچی کمتر از بلاد عربی دیگر ندارد!

تا اینجا روش ها، از دیدگاه من - منطقی و عاقلانه بود و به قول دکتر عبدالمنعم ابوالفتوح، از اعضای اصل و پیشین مکتب ارشاد اخوان المسلمین مصر، دچار «غیاء سیاسی» - حماقت سیاسی - نشدند و حفظ حیثیت سیاسی و مقدم دانستن منافع ملی بر سلطه یابی و چسبیدن به کرسی ریاست، عامل اصلی ماندگاری حرکت حزب النهضة در تونس گردید و شاید هم تجربه مصر، در این نوع تصمیم گیری بی تأثیر نباشد، اما رفتار عقلانی افراد و یا حرکت های سیاسی را نباید به طور مطلق، نتیجه انگیزه های ناشی از روش های نامطلوب دیگران نامید. عقلانیت حاکم بر رهبری و تجربه های شخصی شیخ راشد و همکارانش در دوران تبعید یک ربع قرن، عامل اصلی اخذ این موقف و در نتیجه عدم شکست حزب گردید. موضع گیری اخیر شیخ راشد، در پیامی که به کنفرانس اخوانی ها، در استانبول فرستاد و جدایی حرکت النهضة از سازمان بین المللی اخوان را اعلام نمود. یک تصمیم شجاعانه و منطقی بود... که باید در جای دیگر به آن پرداخت.

اما آخرین نظریه شیخ راشد که در دهمین کنگره عام حرکت حزب النهضة مطرح شد و حزب به دو بخش «دعوت» و «سیاست» تقسیم و تفکیک گردید، یک نظریه

منطقی و معقول نمی تواند باشد...

مهندس یوسف ندا، دوست صمیمی اینجانب که نخستین دیدار من با شیخ راشد هم در اوائل ۱۳۶۰ در منزل او در «لوگانو» رخ داد، و خود از یاوران شیخ راشد در دوران تبعید و آوارگی شیخ و اکثریت اعضاء کمیته مرکزی حزب بود، گفت: این نوع تفکر، در صورت اجرا، موجب انحلال عملی حزب خواهد شد، زیرا که اغلب مردم تونس با توجه به اسلامی بودن حزب به آن پیوسته اند و در صورت دوری عملی از منشأ اصلی حرکت، ضرورتی نخواهند دید که همچنان هوادار حزب باقی بمانند و بلکه ترجیح خواهند داد که به احزاب سیاسی دیگر بپیوندند!

جمع بندی مهندس یوسف ندا، در گفتگو با اینجانب، این بود که این موقف، به این می ماند که ما شاخه های سرسبز درخت تنومندی را از ریشه آن جدا کنیم که ممکن است چند صباحی شاداب بمانند، ولی به سرعت شاخه ها خشک شده و ریشه هم بدون ثمر خواهد بود...

بیانیه حضرت آیت الله مکارم شیرازی در حمایت از صدور حکم ضد تکفیر شیخ الازهر

حضرت آیت الله مکارم شیرازی در پی صدور حکم ضد تکفیر از سوی شیخ الازهر، در بیانیه ای تأکید کرد: ما ضمن تحسین وافر از هوشیاری و درک واقعیت های موجود جهان اسلام از سوی شیخ الازهر تأکید می کنیم که این کار علاوه بر جلوگیری از کشتار مسلمانان بی گناه سبب می شود جلوی اسلام ستیزی از سوی غربی های ناآگاه یا مغرض گرفته شود.

در این بیانیه آمده است: در اخبار آمده بود که جناب احمد الطیب شیخ الازهر مصر از همه علمای اسلام اعم از شیعه و اهل سنت دعوت کرده که متفقاً حکم به تحریم جنایات وحشتناک ضد بشری که از سوی گروهی افراطی سر می زند بنمایند.

این بیانیه می افزاید: شیخ محترم الازهر با تصریح به نزدیکی تفکرات شیعی و سنی در این باره اظهار داشت: الازهر همواره به تقریب جوامع شیعی و سنی تأکید کرده و دستاورد این تقریب را برای دانشگاه الازهر حائز اهمیت می داند. سپس اظهار داشته من از همه علما و رهبران سنی و شیعه دعوت می کنم تا در نشست مشترکی در دانشگاه الازهر گرد هم آیند و با صدور فتوای مشترکی کشتار مسلمانان را از همه مذاهب اسلامی تحریم نمایند و نتیجه صدور این فتوا پایان بخشیدن به انجام اقدامات وحشیانه بعضی از گروه های افراطی است.

آیت الله مکارم افزود: ما ضمن تحسین وافر از هوشیاری و درک واقعیت های موجود جهان اسلام از سوی شیخ الازهر تأکید می کنیم که این کار علاوه بر جلوگیری از کشتار مسلمانان بی گناه سبب می شود جلوی اسلام ستیزی از سوی غربی های ناآگاه یا مغرض گرفته شود و بداند این اعمال خشونت بار از اسلام نیست. اضافه بر این تأکید می کنیم حتی کشتار غیر مسلمانان به وسیله این گروه در هر کجای دنیا باشد از تعلیمات اسلام کاملاً بیگانه و شدیداً محکوم است. امیدواریم این برنامه هر چه زودتر انجام گیرد و گامی در راه نجات مسلمانان از شر این اشرار برداشته شود.

انتشار شماره جدید «مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی»

شماره ۴۳ مجله علمی - ترویجی «مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی» دانشگاه مذاهب اسلامی منتشر شد. مجله علمی - ترویجی «مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی» که از کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور در دانشگاه مذاهب اسلامی منتشر می شود در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) نیز نمایه می گردد. در جدیدترین شماره این مجله که به صورت فصلنامه منتشر می شود سرمقاله ای با عنوان «قرآن و آسیب شناسی امت واحد» از دکتر سید احمد زرهانی چاپ و در اختیار علاقه مندان قرار گرفته است.

همچنین مقالاتی با عناوین: نشانه شناختی جایگزینی واج و تأثیر آن در ایفای معنا در متون تفسیری (مطالعه موردی تفسیر التبیان)، نگاه عارفانه شیخ علاءالدوله سمنانی به جامعه و همچنین مقاله «مودارهای جهان نگارانه در اسلام» در شماره ۴۳ این مجله به چاپ رسیده است.

مقاله «نمودی از هم گرایی مذاهب اسلامی در اعتماد محدثان اهل سنت به راوی شیعی عباد بن یعقوب، فضایل و مناقب حضرت علی(ع) در اشعار محیا و بررسی تطبیقی روایات مواجهه حضرت یوسف(ع) با پدر و همچنین چکیده عربی و انگلیسی مقالات نیز در تازه ترین شماره این فصلنامه منتشر شده است.

این مجله به صاحب امتیازی دانشگاه مذاهب اسلامی، مدیر مسئولی دکتر سید احمد زرهانی و سردبیری دکتر حامد صدقی به چاپ می رسد.

دیدار آیت الله اراکی با سید حسن نصرالله



از دولت و ملت سوریه تأکید کرد: سوریه از تمام ابعاد مقاومت حمایت و پشتیبانی کرده است.

«شیخ حسون» نیز در این دیدار با بیان اینکه جمهوری اسلامی ایران از امت اسلامی حمایت می کند، اظهار کرد: امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری در جایگاه پدری امت اسلامی قرار دارند و پیامبرگونه رهبری امت اسلامی را بر دوش کشیده اند.

مفتی سوریه با بیان اینکه اگر امروز جمهوری اسلامی ایران نبود، سوریه و مقاومت اسلامی نابود شده بودند، گفت: اگر مواضع صحیح جمهوری اسلامی نبود، همه چیز از بین رفته بود.

را در قبال این انحرافات مدنظر قرار داد و این رسالتی است که بر عهده علمای اسلام قرار داده شده است.

مفتی سوریه: اگر ایران نبود سوریه و مقاومت اسلامی نابود شده بود

همچنین آیت الله اراکی با شیخ «بدرالدین احمد حسون»، مفتی اعظم سوریه دیدار و گفتگو کرد. دبیرکل مجمع جهانی تقریب در این دیدار با اشاره به اینکه صبر و ظفر دو یار قدیمی و دیرینه هستند، گفت: ملت سوریه با صبری که داشتند به زودی به پیروزی خواهند رسید؛ زیرا صبر، پیروزی و ظفر را به دنبال دارد.

آقای اراکی تأکید کرد: امروز ملت، دولت، ارتش و علمای سوریه اسوه دیگران هستند؛ زیرا اینها ارزش های الهی را دنبال و در برابر سختی ها صبر پیشه کردند. وی با بیان اینکه پیروزی ملت سوریه در نبرد با دشمنان بسیار نزدیک است، افزود: علما نقش بسیار مهمی در این پیروزی ایفا می کنند.

دبیرکل مجمع جهانی تقریب در پایان ضمن تشکر

آیت الله محسن اراکی در سفر به بیروت با سید حسن نصرالله، دبیرکل حزب الله لبنان ملاقات و پیرامون تحولات منطقه و همکاری و واگرایی امت اسلامی گفتگو کرد.

آیت الله اراکی در این دیدار با تأکید بر نصوص قرآنی و روایی و با تأسی بر عقل و اجماع مسلمین، همکاری و وحدت مسلمین را زمینه ساز تشکیل امت واحده اسلامی دانست.

وی همچنین طراحی دشمنان در ایجاد تفرقه در بین مسلمین را یکی از فتنه های مهمی قلمداد کرد که امروز بخشی از جهان اسلام و جوامع مسلمین را متأثر ساخته است.

سید حسن نصرالله نیز در این دیدار ضمن تأیید این دیدگاه، دشمنان اسلام را همراهان اصلی فتنه سال های اخیر علیه وحدت مسلمین قلمداد و اظهار کرد: از آنجا که این فتنه با بهره گیری از انحرافات فکری و اعتقادی همراه شده، به موازات مقابله نظامی با حرکت های افراط گرایانه و اراهایی باید افشاگری فکری و اندیشه ای

عراق دانشگاه مذاهب اسلامی تأسیس می کند

بر اینکه تلاش مجموعه علمی و فرهنگی عراق تداوم خط اهل بیت (ع) است، گفت: می دانیم که ایران در زمینه آموزش علوم مذهب اسلامی، تجارب زیادی دارد و باید از این تجارب استفاده شود و در خصوص تأسیس این دانشگاه تلاش کنیم.

طریحی، رئیس دانشکده علوم اسلامی دانشگاه مستنصریه نیز عنوان کرد: باید هیأت مؤسسی را برای تأسیس این دانشگاه معین و درباره راه اندازی آن بر اساس یک برنامه جامع اقدام کنیم. باید دانشگاهی راه اندازی شود تا تمامی ادیان در آن تدریس شود.

فریحی، مشاور وزیر آموزش عالی عراق نیز گفت: ایجاد این دانشگاه برای وزارت تعلیم و عالی عراق اهمیت دارد و ما نیز به دنبال تأسیس و راه اندازی آن هستیم.

در ادامه این جلسه حجت الاسلام اباذری، راینز فرهنگی ایران در عراق با بیان سخنانی اظهار کرد: با همکاری دو کشور در زمینه های علمی و آموزشی،

به گزارش خبرگزاری تقریب (تنا)، در پی سفر چند ماه پیش آیت الله اراکی، دبیرکل مجمع تقریب مذاهب اسلامی به کشور عراق و دیدارهای وی با برخی از مسئولین این کشور در خصوص همکاری های دینی و تقریبی و تأسیس دانشگاه مذاهب اسلامی عراق که مورد موافقت نخست وزیر، وزیر آموزش عالی، رؤسای دیوان های وقف شیعه و سنی و برخی دیگر از مسئولین عراقی قرار گرفت، جلسه هماهنگی تأسیس این دانشگاه در بغداد برگزار شد.

در این جلسه که با حضور برخی مسئولین عراقی از جمله شیخ علی الخطیب، قائم مقام دیوان وقف شیعه، محسن فریحی، مشاور وزیر آموزش عالی عراق، محمد طریحی، رئیس دانشکده علوم اسلامی دانشگاه مستنصریه و حسینی، مشاور اقتصادی وزیر آموزش عالی عراق در راینز فرهنگی ایران در عراق برگزار شد، شیخ علی الخطیب، قائم مقام دیوان وقف شیعه عراق با تأکید

دیدار مشاور شیخ زکزاکی با رئیس پژوهشگاه مطالعات تقریبی

شیخ زکزاکی گفت: سلام آیت الله اراکی و بنده را در دیدار با شیخ زکزاکی به ایشان ابلاغ کنید.

وی افزود: مقام معظم رهبری و همه بزرگان نظام و حوزه علمیه ایران از شرایط پیش آمده برای شیخ زکزاکی نگرانند و برای ایشان دعا می کنند. البته ما یقین داریم پیروزی نهایی نصیب ایشان خواهد شد چرا که این وعده خداست.

رئیس پژوهشگاه مطالعات تقریبی در پایان اظهار داشت: مردم ایران نیز برای کمک به شیخ زکزاکی متحد شده اند و کمپینی برای آزادی ایشان در ایران تشکیل شده تا ثابت کنند که شیخ زکزاکی فقط قهرمان نیجریه نیست بلکه او متعلق به همه مسلمانان جهان است.

در ادامه شیخ امین مشاور شیخ زکزاکی ضمن ابراز خرسندی از حضور در ایران گفت: شیخ زکزاکی با تمام وجود به تقریب مذاهب اسلامی معتقد است. و تنها راه رسیدن به اسلام ناب را در وحدت مسلمانان می بیند.

وی گفت: ایشان معتقد است که ما نباید فقط در هفته وحدت دم از وحدت مسلمانان بزنیم بلکه باید در تمام سال منادی وحدت باشیم چراکه ما مسلمانان یک قرآن و یک قیله داریم پس باید بر وجوه مشترک مذاهب اسلامی تأکید کنیم تا به وحدت عملی در جهان اسلام برسیم.

مشاور شیخ زکزاکی افزود: شیخ زکزاکی با مطالعه دقیق این قرن گفت: ما در این قرن مثل امام خمینی نداریم و البته در همین قرن هم بیشترین ظلم و جور به مسلمانان رخ می دهد. ما باید همان طور که هفته وحدت داریم هفته امام خمینی هم داشته باشیم تا همه



شیخ امین مشاور شیخ زکزاکی با حجت الاسلام والمسلمین دکتر مختاری در پژوهشگاه مطالعات تقریبی دیدار کرد.

در این دیدار حجت الاسلام والمسلمین دکتر مختاری ضمن خوشامدگویی، با اشاره به فعالیت های پژوهشگاه مطالعات تقریبی گفت: ما در پژوهشگاه مطالعات تقریبی در تلاش هستیم ارتباطات را با علمای جهان اسلام تقویت کنیم تا دشمن و

استکبار جهانی نتواند از اختلافات جزئی موجود سوء استفاده کند.

دکتر مختاری افزود: ما برای ایجاد وحدت عملی بر اساس سیره اهل بیت در برابر تفکرات افراطی هم در شیعه و هم در اهل سنت مقابله می کنیم.

امام جمعه سابق نیوکاسل با استناد به سخنان پیامبر اسلام اظهار داشت: طبق گفته پیامبر و اهل بیت اسلام دین صلح و آرامش است و مسلمانان با ایجاد صلح می توانند به اسلام ناب دسترسی پیدا کنند. اما دشمن و استکبار با اسلام عقلانی و معتدل مخالفت می کند.

دکتر مختاری با اشاره به ابعاد شخصیتی شیخ زکزاکی تصریح کرد: شیخ زکزاکی قهرمان مبارزه با تبعیض نژادی و قهرمان مبارزه با برداشت های افراطی از اسلام است. شیخ زکزاکی برای ما سمبل واقعی یک مسلمان ناب است و ما ایشان را جلوه حقیقی اسلام نبوی می دانیم.

مدیر موسسه عروه الوثقی افزود: بنده در سفر به لبنان برای شرکت در کنفرانس مقاومت با شیخ زکزاکی دیدار کردم و ایشان را چهره ای مقاوم و مجاهد فی سبیل الله دیدم.

دکتر مختاری ضمن آرزوی موفقیت برای مشاور

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهادی خسروشاهی
سردبیر: سید محمود خسروشاهیدفتر مرکزی: قم / خیابان شهدا (مفاتیح) / نبش ممتاز
تلفکس: ۰۲۳۱۴۳۷۷۴ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

سایت‌های مرکز

مرکز بررسی‌های اسلامی: www.iscq.ir

استاد خسروشاهی: www.khosroshahi.org

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

خاطرات آیت‌الله سید رضی شیرازی در «طریق معرفت» روایت شد



کتاب «در طریق معرفت» سلسله مصاحبه‌ها و تحقیق‌های محمد رحیمی از شاگردان آیت‌الله سیدرضی شیرازی است که با تدوین و نگارش مرتضی رسولی‌پور منتشر می‌شود. این اثر شامل خاطرات دوران تحصیل،

تحریم تنباکو و وقایع حساس انقلاب اسلامی و مبارزات این روحانی متعهد و انقلابی است.

مرتضی رسولی‌پور در مقدمه این کتاب آورده است: «معرفی مقام علمی استاد آیت‌الله سیدرضی شیرازی در کنار اوصاف نیکوی اخلاقی و تقوای او و نشان دادن سیره عملی وی در سلوک با طبقات گوناگون مردم، فروتنی، اعتدال و مردم‌داری ایشان به رغم دشواری‌ها در برنامه دفتر ادبیات انقلاب اسلامی حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی بود. دشوار از دو جهت، یکی از آن روی که هر چه بنویسی، اگر زمانش نرسیده باشد پذیرش ندارد و هر چه پس از زمانش اساطیری (که دست نیافتنی است)، بلکه به عنوان چهره‌ای تابناک که می‌توان هنوز نور و حرارت وجود و حضورش را لمس نمود و دریافت که چگونه از میان پرده‌های ضخیم تنیده از جهل و مناسبات ناسالم، از ابله‌خوری پاک و زلال سیراب گشته، جوانه زده، بالیده و در کوره ابتلائات چندین دهه تنوار گشته و در سخت‌ترین توفان‌ها، قامت خود را همچنان سر بلند و مفتخر نگه داشته است.»

رسولی‌پور ادامه می‌دهد: «اثری که ارائه می‌شود حاصل چند جلسه مصاحبه و تنظیم اولیه از سوی محمد رحیمی، یکی از شاگردان آیت‌الله سید رضی شیرازی است که در سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۰ با ایشان انجام داده و شامل اطلاعاتی در مورد زندگی‌نامه خاندان شیرازی، فتوای تحریم تنباکو، شاگردان میرزای بزرگ، تحصیل در حوزه‌های علمیه نجف و تهران، شرح احوال استادان، تدریس در مدرسه مروی، مدرسه عالی سپهسالار (شهید مطهری کنونی)، دانشکده الهیات دانشگاه تهران، شرکت در کنگره‌های اسلامی خارج از کشور به نمایندگی از سوی آیت‌الله برجوردی، اخراج از دانشگاه و استعفا از تدریس در مدرسه عالی سپهسالار در اثر مداخلات ساواک، تدریس علوم فقهی، کلامی، اصول عقاید، اخلاق، تفسیر قرآن و فلسفه در مسجد شفا، فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ارشادی، دیدار با امام خمینی (ره) در نجف و پاریس و ... است.»

آیت الله سید رضی شیرازی در زمره فقها و حکمای الهی شیعی و از نوادگان میرزای شیرازی است. در طی سالیان گذشته تعداد زیادی (حدود ۵۰۰ نفر از سال ۱۳۵۱ تا به امروز) از پیروان ادیان مختلف و با ملیت‌های متفاوت به دستان وی با بهره‌گیری از استدلال‌ات کلامی و فلسفی به دین مبین اسلام و مذهب جعفری روی آورده‌اند.

کتاب «در طریق معرفت» (مروری بر زندگی و خاطرات آیت‌الله سید رضی شیرازی) در ۲۳۰ صفحه و ۲۵۰۰ نسخه توسط انتشارات سوره مهر روانه بازار کتاب شده است.

برخی از اشعار آیینی جامعه را به بی‌اخلاقی و پوچ‌گرایی سوق می‌دهند

مقتلی مطالعه کند باید به سراغ منبعی برود که مورد وثوق است که من برای شاعران جوان آیینی مجموعه «دانشنامه امام حسین(ع)» را پیشنهاد می‌کند. اگر شاعر این دسته از منابع را مطالعه کند، علاوه بر اینکه بر معلومات و وسعت اطلاعاتش در حوزه تاریخ افزوده می‌شود، دایره واژگان او نیز گسترده‌تر می‌شود.

این شاعر با بیان اینکه زندگی ماشینی فرصت کمی در اختیار شاعر امروز می‌دهد تا به سراغ این منابع برود، با بیان اینکه سروده‌های آیینی نیز دچار این مشکل شده‌اند، گفت: متأسفانه سروده‌های آیینی امروز هم از این قاعده مستثنی نبوده و به این آفت دچار شده‌اند. تأثیر این دسته از اشعار بر مخاطب امروز بسیار حائز اهمیت است. وقتی شاعری سروده‌ای را می‌خواند که فاقد ارزش‌های لازم است و حرفی از نظر محتوایی برای گفتن ندارد، به تدریج مذاق جامعه را نیز به سمت و سویی هدایت می‌کند که محتواگرا نباشد و صورت‌گرا باشند.

مجاهدی با تأکید بر اینکه وظیفه شاعر آیینی در این زمینه بیش از دیگران است، افزود: جامعه‌ای که از مفاهیم اصیل، ناب و کلیدواژه‌های قرآنی، روایی و عرفانی بی‌اطلاع باشد، جامعه‌ای است که در بی‌خبری زندگی می‌کند و این پیامدهای بدی دارد و مخاطب را به سمت بی‌اخلاقی، پوچی و پوچ‌گرایی سوق می‌دهد.

انتشار «ناگفته‌ها و اسرار زندگی شهید آیت الله سید محمدباقر صدر»

این امت رفته چیزی از آن کم نکرده است. من همیشه بر این باور بوده‌ام که ما به آن ذهن و اندیشه نیازمندیم. آن شهید انثری فوق‌العاده‌ای داشت و من با وجود احترام و تقدیر نسبت به همه علما، نمی‌توانم او را با هیچ‌یک از مراجع معاصر مقایسه کنم. صحبت درباره شهید صدر بدون در نظر گرفتن شرایط و موارد مبهم پیرامون او ممکن نیست با این حال سعی من در این کتاب تنها آن است که تجربه شخصی خودم را با او بنویسم - البته همان‌طور که می‌گویند حرف حرف می‌آورد - و فقط به مواردی اشاره کنم که آن زمان دیده یا شنیده‌ام و به آنها مطمئن هستم. لذا این کتاب منبعی جز نویسنده ندارد. درباره وقایع قبل از ورود به نجف و بعد از خروج از آن که به شهید هم مربوط است، هم مطالب بسیاری نوشته شده و هم من اطلاعات خوبی دارم اما به خاطر رابطه‌ام با استاد - که به مرور زمان متحول شد - به شیوه خودم درباره آنها نوشته‌ام و فقط همان‌ها را که دیده و حس کرده‌ام نقل می‌کنم.»

چاپ اول کتاب «ناگفته و اسرار زندگی شهید آیت الله سید محمدباقر صدر» در ۱۲۰ صفحه، قطع رقی، تیراژ ۱۰۰۰ نسخه و قیمت ۵۰۰۰ تومان منتشر شده است.

برای تهیه مجموعه کتابهای جهان اسلام و دیگر آثار دفتر نشر معارف می‌توان از طریق سایت پاتوق کتاب: ketabroom.ir یا دفتر مرکزی نشر معارف قم (۰۲۵۳۷۷۴۰۰۴) یا از طریق فروشگاههای پاتوق کتاب تهران و دیگر مراکز توزیع محصولات فرهنگی اقدام کرد.

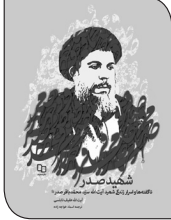
و حیانی است. اگر در شعر سخنوران بزرگی مانند حکیم سنایی، مولوی، عطار، خاقانی و دیگران نگاه بیندازیم و تأمل کنیم، متوجه می‌شویم که این شاعران با منابع وحیانی مأنوس بوده و با احادیث آشنا بودند و اصلاً یکی از دلایلی که منجر به این شده که شعر این شاعران، دیدی جهانی داشته باشد و مورد قبول انسان‌ها با فرهنگ‌های مختلف قرار گیرد، بهره‌گیری از همین منابع بوده است. به عنوان نمونه، در شعر حافظ می‌بینیم که چقدر این مرد از قرآن متأثر بوده و جای پای احادیث و آیات را به خوبی در اشعار او می‌توان دید.

وی ادامه داد: متأسفانه این پیوند و ارتباط در میان شاعران امروز کم و بیش بریده شده و شاعر امروز می‌خواهد با استفاده از قوه تخیل و تمثیل کار خود را پیش ببرد؛ به همین دلیل اشعاری که از شعر امروز منتشر می‌شود به لحاظ محتوایی ارزش خاصی ندارند.

به گفته مجاهدی، تنها راه خروج از این وضعیت، آشتی شاعران جوان با این منابع است تا بتوانند آب را از سرچشمه بگیرند. مطالبی که امروز از گذشته و تاریخ به دست ما رسیده دچار افزونی و کاستی شده و گاه با آفت و آسیب همراهند؛ به همین دلیل شاعر نباید به هر منبعی مراجعه کند، بلکه باید اثری را مد نظر قرار دهد که به حقایق نزدیک‌تر باشد. به عنوان نمونه، اگر شاعری می‌خواهد برای اطلاع از تاریخ اسلام و وقایع کربلا،

سید محمدباقر صدر در زندگی‌اش عمل مکروهی مرتکب نشد. (سید کاظم حائری) - در دفاع از عقیده اسلامی و مذهب اهل بیت (علیهم‌السلام) کسی قوی‌تر از سید محمدباقر صدر ظاهر نشده است. (سید محمود هاشمی [شاهرودی])

وی در ادامه می‌نویسد: «هدتی است می‌خواهم درباره این اندیشه درخشان و شخصیت عظیم بنویسم، اما هرچه سنّ و تجربه‌ام بیشتر می‌شود زبان از بیان قاصر می‌گردد. دوست داشتم درباره تمام دغدغه‌ها و دردها و درگیری‌های او بنویسم و تا آنجا که ممکن است زبان به ستایش و افتخار نگشایم ولی طبع عالی و اندیشه عظیم او ناخواه مرا به این دام می‌کشاند، چندان که قدرت تأثیرگذاری و سحر بیان و همت والای او توان بیرون آمدن از این دام را از من می‌گیرد. سال‌ها یکی پس از دیگری می‌گذرند و من هنوز نمی‌دانم چطور درباره او حرف بزنم. مسائل متعددی را هم نمی‌توانم شفاف بیان کنم؛ چون نگران آنم که کسی حرفم را نفهمد و خیال کند قصدم از طرح برخی جزئیات اتهام بستن به علما یا تعرّض به مراجع عظام است. در عین حال نمی‌خواهم خلاصه‌ای از ماجرا را شرح دهم یا از روی وقایع رد شوم؛ چون در این صورت هم مطلب ناقص می‌شود و هم حقیقت گم، و حرف‌هایم هیچ معنا و سودی نخواهند داشت. در عین حال نمی‌خواهم شخصیتی مانند این شهید سعید در میان پشته اتهامات دوست و آتش ظلم و اجبار گم شود. دیرزمانی گذشته است، ولی احساسات من نسبت به او خاموش نشده و دردها و مصیبت‌هایی که بر سر



کتاب «ناگفته و اسرار زندگی شهید آیت الله سید محمدباقر صدر» نوشته آیت الله عقیف نایلسی، عالم برجسته شیعیان لبنان، با ترجمه خانم اسماء خواجه زاده از سوی دفتر نشر معارف منتشر شد.

درباره زندگی، اندیشه و سلوک شهید آیت الله سید محمدباقر صدر و خواهر شهیدش بنت الهی صدر، پژوهش‌های زیادی در جهان عرب و ایران انجام شده است. اما امتیاز کتاب پیش رو، این است که به قلم یکی از شاگردان شهید صدر نوشته شده است که هم اکنون مدیر حوزه علمیه امام صادق(ع) شهر صیدای لبنان است و در این شهر نماز جمعه برپا می‌کند و رئیس هیأت علمای جبل عامل لبنان نیز است. این کتاب ترجمه «خفایا و اسرار من سیره‌الشهید محمدباقر الصدر» نوشته آیت‌الله عقیف نایلسی است که در بیانی دیگر خاطرات زندگی نویسنده در عراق و ارتباطاتش با شهید صدر و علمای برجسته عراق و لبنان است. آیت الله عقیف نایلسی در ابتدای مقدمه کتاب، گفتارهایی از اندیشمندان جهان عرب درباره شهید آیت الله صدر می‌آورد:

«- در عصر حاضر مولودی برتر از محمدباقر صدر در جهان اسلام زاده نشده است. (شیخ مرتضی آل یاسین) - به نظر من بیهوده‌گویی در نوشته‌های سید محمدباقر صدر اصلاً معنا ندارد. (زکی نجیب محمود/ فیلسوف مصری)

- گوش کن شیخ (شیخ عقیف): محمدباقر صدر اعلم علمای اسلام در این عصر است. (شیخ محمدجواد مغنیه) - مارکسیسم مخالفی بهتر از محمدباقر صدر نداشته است. (اکرم زعیترا/ اردن)

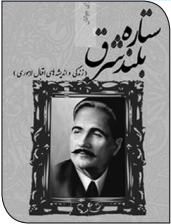
ناشر: مرکز اسناد انقلاب اسلامی

معرفی کتاب: اقبال به دلیل اندیشه‌های اصلاح‌گرایانه و جدیدش همواره در بین متفکران و روشنفکران جهان اسلام چهره‌ای شناخته شده‌ای است. این آشنایی در میان صاحبان اندیشه در ایران پررنگ‌تر است زیرا قالب بیان افکار اقبال زبان رسمی ایران می‌باشد. اما در میان عموم مردم و به ویژه جوانان که شاید اصلی‌ترین مخاطبان وی هستند، اقبال همچنان غریب است و شناختش می‌تواند پنجره‌های جدیدی را به افق‌های وسیع اندیشه‌ای بگشاید که در این زمانه بسیار کارساز و مشکل‌گشا است.

علامه محمد اقبال لاهوری، متفکر مسلمان، فیلسوف، حقوقدان، سیاستمدار و شاعر، در سرزمینی متولد شد که از سویی تحت سلطه و ظلم بیگانگان قرار داشت و از سویی

صحنه‌ی دائمی اختلافات و کشمکش‌های داخلی بود. مسلمانان و هندوها با کوچک‌ترین بهانه‌ای، نزاع‌های خونین و پریهاو به راه می‌انداختند و هیچ نقطه‌ی مشترکی با هم نداشتند. استعمار حاکم بر شبه‌قاره نیز که منافع خود را در استمرار این تفرقه و جدایی می‌دید، به آن دامن می‌زد. در چنین فضایی، مسلمانان که در اقلیت قرار داشتند، چنان دچار زندگی ذلت‌بار و رقت‌آمیزی بودند که هیچ‌امیدی به بهبود اوضاع نمی‌رفت و اگر اعتراض و زمینه‌ی انقلابی به وجود می‌آمد، به سرعت سرکوب می‌شد.

اقبال این مشکلات را میدید و از درون می‌سوخت. او ابتدا شخصی ملی‌گرا بود و آرزوی آشتی مسلمانان



و هندوها را در سر می‌پروراند اما به زودی پی برد که این خواسته هرگز تحقق نمی‌یابد و باید به فکر نجات مسلمانان از این اوضاع دردناک باشد.

وی از کودکی به واسطه‌ی رهنمودهای پدرش با قرآن آشنا شده بود و به توصیه‌ی او تلاش می‌کرد هر بار چنان این کتاب آسمانی را تلاوت کند که گویی بر او نازل میشود. بنابراین خیلی خوب با آموزه‌های قرآن آشنا بود. در فلسفه‌ی غرب و روش تعقل، به دلیل تحصیلات آکادمیک و در عرفان و تصوف ایرانی نیز به برکت موضوع رساله‌ی دکترایش، مهارت و تبحر داشت و با تلفیق دانسته‌هایش از این سه مشرب، جهان بینی خاصی به دست آورده بود.